

مجموعه فیش و شند اعیاد شعبانیه

سنگ را بنده



نسلی برای آینده (مجموعه فیش روشمند اعیاد شعبانیه)

نویسندگان: حجج اسلام سامان هادی پور، مسعود تاتلاری،

حبيب فتحی، علیرضا سمنبری

ویراستار: حجت الاسلام حجت احمدی حجت

زمستان ۱۴۰۰

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

تهران، خیابان کریمخان زند، بعد از تقاطع حافظ،

به سمت میدان ولیعصر، خیابان شهید پرویز گلایی، شماره ۱۲،

ساختمان بنیاد علوی

www.alavi-bonyad.com

نسج آینده

مجموعه نمایش و شنیداری و شعاری



وزارت فرهنگ و ارث ملی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی



سازمان موزه ملی

جلد اول / ۱۱

موضوع

امام حسین (ع) بر تکیه محمی

پیام

نکات کلیدی در تربیت فرزندان تهر بیت تکیه محمی

جلد دوم / ۳۱

موضوع

حضرت ابی الفضل (ع) بر تکیه مداری

پیام

نکات کلیدی در تربیت فرزندان تهر بیت ولایت مداری

جلد سوم / ۵۱

موضوع

امام سجاد (ع) بر تکیه حق گریانی

پیام

نکات کلیدی در تربیت فرزندان تهر بیت حق گری

عَلَمِ الْكَبَرِ / ۷۳

موضوع

جوان عاشقانی زمینه ساز ظهور

پیام

نقش پیری یا جوانی جمعیت در آینده کشور

بِسْمِ اللَّهِ آمَنَّا زَمَانِ / ۹۳

موضوع

برای ظهور چه کرده ایم؟

پیام

نقش جمعیت و ستارگان آلمان از زمان در زمینه سازی ظهور

ماه شعبان، ماه پیامبر رحمت که با ایام شادی اهل بیت علیهم السلام و ولادت سرداران کربلا آغاز می شود و فرصت بزرگ معرفی «اسوه های تربیت» را در اختیار مبلغین و سخنرانان قرار می دهد تا با ارائه نکات کلیدی تربیتی، دغدغه های تربیتی خانواده ها برای فرزندآوری بیشتر را برطرف کنند و در روز جوان امام حسین علیه السلام حضرت علی اکبر علیه السلام از اهمیت جوانی کشور و جلوگیری از پیری جمعیت سخن بگویند و در نقطه اوج این ماه مبارک و میلاد بقیه الله الاعظم از زمینه سازی برای ظهور و نقش موضوع جمعیت، کمیت و کیفیت آن در تعجیل ظهور سخن به میان آورند تا به وظیفه «جهاد تبیین» در یکی از دغدغه های مهم ولایت و همه دلسوزان آینده کشور یعنی موضوع جمعیت، عمل شده باشد.

مجموعه فیش منبر حاضر تحت عنوان «نسلی برای آینده» با سبک جدید در تدوین سخنرانی های روشمند به این انگیزه آماده شده است که از هر فرصت تبلیغی برای ترغیب مردم و محبان اهل بیت علیهم السلام به فرزندآوری بیشتر و رفع دغدغه ها و موانع فکری آنها استفاده گردد و با در اختیار قرار دادن فیش های منبر دارای محتوا و اسلوب جذاب و تاثیرگذار بستر انجام این مهم را بیش از پیش فراهم نمایند.

وظیفه خود می‌دانم در ابتدای این نوشتار ضمن تشکر و قدردانی از پژوهشگران عزیز آقایان تاتلاری، فتحی و سمبیری که بنده را در تالیف این مجموعه یاری رساندند، از همه خوانندگان گرامی تقاضا کنم که با نکات مفید و سازنده خود، ما را در رفع اشکالات و ارتقای کیفی این مجموعه یاری نمایند. امیدوارم این کتاب که بعد از مجموعه فیش منبر «رزق مادری» در ایام فاطمیه، «مادر هستی» در ایام ولادت حضرت زهرا علیها السلام، «گنج پدری» در ایام ولادت حضرت علی علیه السلام، چهارمین اثر به همت مشترک موسسه اسرار بیان و بنیاد علوی می‌باشد، موجبات رضایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم نماید و برای «جهاد تبیین» سربازان آن حضرت در زمانه ما، مفید و موثر قرار گیرد. ان شاء الله

سامان هادی پور

مدیر موسسه آموزشی - پژوهشی اسرار بیان

جلال

موضوع

پیام

پیام

ان کا کلید، از ہریت فرزند ہریت لکھنؤ

پیشینہ

11 2 4

بَصِيرٌ

● انگیزه‌سازی موضوع

یکی از مهمترین سوال‌هایی که هر وقت اسم مبارک امام حسین علیه السلام و واقعه عاشورا را می‌شنویم برای ما پیش می‌آید و می‌شود گفت که پاسخ به این سوال می‌تواند بسیاری از گره‌های ذهنی ما را باز کند و عدم پاسخ به این سوال ممکن است شبهه‌هایی را مهمان قلب ما کند که ما و خاندان ما را از در خانه اهل بیت علیهم السلام دور کند.

شاید به خودتون بگویند که این سوال چیست که اینقدر حساس و کاربردی است و عدم پاسخ به آن اینقدر خطرناک است؟

سوال مهمی که امروز می‌خواهم در طلیعه سخنرانی در مورد آن با هم صحبت کنیم این است که: چرا وجود نازنین سیدالشهدا علیه السلام با این که می‌دانستند رفتن به کربلا منجر به شهادت ایشان و حتی اسارت خانواده ایشان می‌شود باز هم از این کار دریغ نکردند و همراه خانواده خود مسافر این سفر تاریخ ساز شدند؟

واقعا شاید این سوال برای شما همیشه یکی از سوال‌های مهم بوده ولی خیلی ساده از کنارش گذشته باشید، شاید هم به پاسخ‌هایی در مورد این سوال رسیده باشید، اما در این جلسه می‌خواهم یک مقدار بیشتر و تخصصی‌تر به این سوال نگاه کنیم و سطحی از کنار سوال به این مهمی رد نشویم زیرا پاسخ به این سوال می‌تواند کلید معرفت به شخصیت امام حسین علیه السلام قرار گیرد.

یعنی اگر بخواهیم در یک جمله به صورت مختصر و مفید و همه فهم هدف قیام سیدالشهدا علیه السلام را بیان کنیم باید بگوییم وجود نازنین سیدالشهدا علیه السلام به دلیل تکلیف محوری قیام کردند. ایشان در سال ۶۱ هجری تکلیف الهی خود را قیام بر علیه یزید و یزیدیان می دانستند و به تکلیف الهی خود بدون تاثیر پذیری و ترس عمل کردند.

پس اگر بخواهیم پاسخی کوتاه و منطقی و صحیح به سوالی که اول جلسه مطرح کردیم بدهیم باید بگوییم، امام حسین علیه السلام با توجه به اینکه می دانستند چه اتفاقاتی در روز عاشورا و بعد از عاشورا برای ایشان و خانواده ایشان خواهد افتاد اما به دلیل تکلیف محوریشان دست از این سفر پر خطر نکشیدند.

ایشان تکلیف داشتند جهت هدایت محبین اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ به کربلا سفر کنند، ایشان تکلیف داشتند با خانواده به کربلا سفر کنند، تا بعد از شهادتشان فلسفه حرکتشان رو تحریف نکنند و خواهر بزرگوارشان بعد از کربلا علم جهاد تبیین را بر دست گیرند و امت اسلامی را از کوفه تا شام و از شام تا مدینه از ظلمی که به فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله شده و انحراف حکومت بنی امیه آگاه کند، ایشان تکلیف داشتند عزیزان خود را به قربانگاه ببرند و در راه خدا فدا کنند و به همه این تکالیف به زیباترین شکل عمل کردند تا جایی که عقیده بنی هاشم علیهم السلام فرمودند: «ما رایت الا جمیلا» من جز زیبایی در کربلا ندیدم.

○ اقناع اندیشه موضوع

ولی متأسفانه ما امروز می بینیم که حتی عاشقان سینه چاک سیدالشهدا علیه السلام نگاهشان به وجود نازنین سیدالشهدا علیه السلام نگاهی الگویی با موضوع تکلیف مداری نیست، اصلاً امروز اگر از جامعه مذهبی پرسیده شود وجود نازنین سیدالشهدا علیه السلام در چه زمینه هایی برای شما الگو هستند شاید خیلی از زمینه ها بیان شود اما متأسفانه نگاه الگویی به امام حسین علیه السلام از جهت تکلیف مداری نداریم.

آیا واقعا نباید سوال باشد که چرا ما نسبت به این موضوع اینقدر غافل هستیم؟ یکی از دلایلی که منجر به این شده است که ما غافل نسبت به این موضوع

باشیم این است که، ما دائماً به حماسه امام حسین (ع) از زاویه احساسی و مظلومیت آن حضرت یا از زاویه دنیاپرستی مردم و تنهایی حضرت نگاه کرده ایم و صحنه های زیبای تکلیف محورانه کربلا تحلیل نشده است تا معرفت ما را به سیدالشهدا (ع) عمیق تر کند، چرا حضرت آب طلب کردند؟ چرا علی اصغر (ع) را روی دست گرفتند؟ بدون درک تکلیف محوری نمی توان فهم درستی نسبت به رفتارهای امام حسین (ع) در کربلا پیدا کرد. اگر بخواهیم برخی از شاخص های تکلیف محوری در اندیشه امام حسین (ع) که تبلورش در قیام حضرت (ع) دیده می شود را بشماریم باید به این نکات بپردازیم:

✦ اطاعت از دستور خدا

بر هر مسلمانی واجب است که دستور خدا و خلفای الهی او را به عنوان یک تکلیف الهی اطاعت و اجرا نمایند. در همین راستا امام حسین (ع) بعد از برخورد با سپاه حر برای اصحاب خودش و اصحاب حر این گونه خطبه خواند و هدف خود را قیام برای اطاعت و اجرای فرمان خدا و رسول خدا بیان کرد. امام پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

«ای مردم، رسول الله (ص) فرموده است: هر کس پادشاه ستمگری را بنگرد، که حرام خدا را حلال کرده، دین خدا را فرو افکنده، با سنت پیامبر خدا مخالفت می کند و در میان مردمان با گناهکاری و ستم حکم می راند، سپس با سخترانی و اقدام بر او نشورد، سزاوار است که خداوند آن کس را نیز به سرانجام (خواری و عذاب) آن پادشاه دچار سازد.»^۱

✦ اصلاح جامعه و جاری ساختن سنت پیامبر و امیرالمؤمنین (ع)

امام حسین (ع) به دنبال زنده کردن سنت های پیامبر (ص) و پدرش (ع) و مبارزه با بدعت بودند و این در حالی بود که در کناری بی تفاوتی نسبت به دین،

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲

بسیاری از احادیث و سنت‌های پیامبر ﷺ تحریف شده بود و مسلمانان دچار حیرت و گمراهی شده بودند و واجبی بزرگ به نام امر به معروف و نهی از منکر به بوته فراموشی سپرده شده و مردم نسبت به دین و انحراف در آن، بی تفاوت شده بودند. تنها راه حل اصلاح جامعه و حفظ مکتب الهی، در مقابل انحراف موجود، قیام علیه آنها و در شرایط مقتضی، جهاد بود.

امام در نامه‌ای به بصریان می‌نویسد:

«إِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى نَبِيِّهِ، فَإِنَّ السَّنَةَ قَدْ آمَيْتَتْ»

شمارا به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ فرا می‌خوانم زیرا سنت به بوته

فراموشی سپرده شده^۱

❖ عزت طلبی و ذلت ناپذیری

خداوند عزت را مختص خود و پیامبر ﷺ و مؤمنان می‌داند و می‌فرماید:

«الْعِزَّةُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»

عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است^۲

تکلیف هر مسلمان و مؤمنی است طبق دستور خداوند زیر بار ذلت نرفته و در راه کسب عزت از هر کوشش و حرکتی دریغ ننماید، بنابراین قیام و حرکت امام حسین (ع) که خود پرچمدار اجرای فرامین الهی است بر مبنای عزت طلبی بود و لحظه‌ای تن به ذلت و سر به خواری نداد و سطر سطر قیام او نشان گر عزت مداری و پایداری بر راه حق بود. به نمونه‌هایی از عزت طلبی و ذلت ناپذیری ایشان اشاره می‌کنیم:

امام (ع) در خطبه‌ای فرمود:

«چقدر آسان است جان دادن در راه به دست آوردن عزت و زنده کردن

حق. هرگز در راه عزت چیزی نیست جز زندگی جاودان و زندگی با ذلت

چیزی نیست جز مرگ پایدار»

۱. ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۱۱۲

۲. سوره منافقون، آیه ۸

و در جای دیگری می‌فرمایند:

«لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيهِمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا اقْتِرَارًا الْبَعِيدِ»

نه بخدا قسم نه مانند دلیلان تسلیم می‌شوم و نه مانند بردگان کردن می‌نهم!
این‌ها گزیده‌ای بود از موارد تکلیف مداری وجود نازنین سیدالشهدا (علیه السلام) که می‌توان گفت بزرگ مرد تکلیف مدار بودند و تکلیف مداری را به عالم و آدم آموزش دادند.

• انگیزه‌سازی پیام

دوستان من، الگوگیری از تکلیف مداری اهل بیت (علیهم السلام) خصوصاً وجود نازنین سیدالشهدا (علیه السلام) می‌تواند در بسیاری از زمینه‌های فردی و اجتماعی و تربیتی کمک حال ما باشد.

در جامعه امروز مایکی از دلایلی که برخی از خانواده‌ها برای عدم فرزندآوری مناسب از آن استفاده می‌کنند، نگرانی از تربیت فرزندان است که نگرانی به جایی هم می‌باشد، ولی با وجود الگوهای تربیتی عالی همچون چهارده معصوم (علیهم السلام) و مکتب تربیتی بی‌نظیری که آن بزرگواران برای ما محبان اهل بیت (علیهم السلام) به ارمغان گذاشتند، نباید بگذاریم این نگرانی مانع افزایش محبان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشريف) شود.

جا دارد در تربیت فرزندانمان ۳ اصل بسیار مهم را رعایت کنیم، اولین اصل را جلسه گذشته گفتیم ولایت‌مداری بود، دومین اصل که امروز در مورد آن صحبت می‌کنیم تکلیف محوری است و ویژگی سوم را هم جلسه آینده خدمت شما بیان می‌شود، این ویژگی‌ها اگر در فرزندان ما خوب شکل بگیرد فرزندانی از جنس شهدا تربیت خواهیم کرد.

کافی است یک نگاه کوتاهی به وصیت نامه‌ها و خاطرات شهدا ببندازیم، چون غالباً مهمترین دلیلی که آنها را ترغیب به جبهه رفتن نموده است همین تکلیف محوری‌ای است که امروز داریم با هم صحبت می‌کنیم.

۱. وحیدی، ۱۳۸۴: ۲۳۳-۲۳۶

شهادای ما مصداق بارز تکلیف مداری حسینی علیه السلام بودند و راه و رسم تکلیف مداری رو به رخ تاریخ کشیدند.

در مورد شهید میثمی رحمته الله نوشته اند که: آیت الله محلاتی، نماینده امام خمینی رحمته الله در سپاه، به دیدن عبدالله میثمی رحمته الله آمده بود. بعد از اینکه برای فرماندهان سخنرانی کرد و محیط کمی خلوت تر شد، گفت: شیخ! کارهایت را جمع و جور کن. باید بروی سفر حج تمتع.

شیخ سرش را پائین انداخته بود. با جدیت گفت: حاج آقا نمی توانم. بماند برای سال بعد. آیت الله محلاتی رحمته الله گفت: پارسال هم همین را گفتم. گفت: من احساس می کنم تکلیفم اینجاست اگر اینجا باشم، ثواب حج را می برم.^۱

یک نمونه دیگر برای تکلیف مداری شهید سید مجتبی هاشمی رحمته الله بود. سید همیشه پا به رکاب بود. اکثر مواقع لباس سبز نظامی با کلاهی کج تنش بود. شب ها من که می خواستم ساعت ۱۰ به خانه بروم، می گفت خیالت راحت من هستم. تا صبح به کمپته های دیگر هم سرکشی می کرد و گزارش جامعی ارائه می کرد. یک بار گفتم: آقا مجتبی! رضایت بده و این پوتین و لباس را از تن در بیاور. گفت: به جدم قسم! تا زمانی که صدام هست و تکلیف جبهه مشخص نشده، حتی دم مغازه هم با همین لباس می روم و فروشنده می کنم.

آخر هم به خاطر روحیه اش نتوانست در شهر بماند. رفت سر وقت جنگ و گروه فدائیان اسلام را راه اندازی کرد.^۲

این ها گزیده ای بود از هزاران مصداق شهادایی که با فرهنگ تکلیف مداری تربیت یافته بودند.

۱. کتاب تنها سی ماه دیگر؛ زندگی نامه داستانی شهید عبدالله میثمی، نوشته: مصطفی

محمدی، ناشر: فاتحان، صفحه ۱۱۲،

۲. راوی: احمد هاشمی مطلق و محمد رضا رستمی

کتاب آقا مجتبی؛ خاطراتی از شهید سید مجتبی هاشمی، نویسنده: محمد عامری، ناشر:

تقدیر، نوبت چاپ: دوم- تابستان ۱۳۹۶؛ صفحه ۸ و ۱۲،

• اقناع اندیشه پیام

بزرگواران، ما باید فرزندان خود را تکلیف محور تربیت کنیم، باید به فرزندان خود یاد بدهیم که در مقاطع مختلف زندگی تنها چیزی که باید دغدغه او باشد تکلیف اوست. خیلی وقت ها پدر و مادرها قبول دارند که باید فرزندان خود را تکلیف محور تربیت کنند اما گمان می کنند که توجه دادن بچه به تکلیف محوری برای بعد از جشن تکلیف اوست و باید گفت: این تفکر درستی نیست بلکه باید تربیت بر مبنای تکلیف محوری به کودکان قبل از سن تکلیف به او آموخته شود و او را تکلیف محور تربیت کرد و باید در هفت سال دوم به فرزندانمان تکالیفشان نسبت به پدر و مادر، هم نوعان، دوستان و مهمتر از همه خدا را آموخت.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«دَعْ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سَنِينَ، وَيُؤَدِّبُ سَبْعًا، وَالزِّمَّةُ نَفْسِكَ سَبْعَ سَنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَالْإِقَانَةُ لَآخِرَ فِيهِ»

بگذار فرزند تا هفت سالگی بازی کند، و در هفت سال دوم او را پرورش و تأدیب کن، و در هفت سال سوم خود را بیشتر به او ملزم کن - یعنی بیشتر مواظبش باش - اگر اصلاح و رستگار شد چه بهتر، وگرنه پس از آن هیچ فایده ای ندارد.^۱

از این روایت ارزشمند فهمیده می شود که دوران ۷ سال اول کودک ها دوره آزاد گذاشتن فرزندان تا جایی که به خود آسیب نرسانند است، وقتی این حدیث را برای افراد بیان می کنیم، شاید خیلی ها بگویند آزاد گذاشتن فرزندان در ۷ سال اول زندگی یعنی چه، در جواب باید بگویم آزادی در ۷ سال اول یعنی اینکه فرزندان در این مدت زمان مورد امر و نهی پدر و مادرها قرار نگیرند و به گونه ای پادشاهی کنند.

اما باید گفت: طبق این روایت ارزشمند از وجود نازنین امام صادق علیه السلام فهمیده می شود که مهمترین دوره تربیت کودک دوره طلایی هفت سال دوم او

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۸

است که بهتر است تکلیف محوری نیز در این دوره به کودکان آموزش داده شود. پدر و مادرها گمان نکنید که مانسبت به تربیت فرزند انمان هیچ تعهدی نداریم. من پدر و مادرهایی را می شناسم که دیر به فکر تربیت فرزند ان خود افتادند، زمانی به فکر افتادند که بچه دیگه از نظر تربیتی شکل گرفته و دیگه نمی شود آن را تغییر داد.

خداوند متعال تربیت فرزندان را در قرآن به پدر و مادرها تذکر میدهد و به رخ پدر و مادر می کشد که نباید نسبت به تربیت فرزندان بی تفاوت بود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ^۱

ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند [به طور کامل] اجرا می نمایند.

ابو بصیر می گوید از امام صادق (ع) در مورد این آیه پرسیدم و گفتم: «این نفس من است، می توانم آن را حفظ کنم، ولی چگونه اهل بیت خودم را حفظ کنم؟» فرمود: «آنان را به آنچه خداوند به آن امر کرده است، امر کنید و از آنچه خداوند از آن نهی کرده، نهی کنید؛ اگر تو را اطاعت کنند، آنان را حفظ کرده ای و اگر از تو سر پیچی کردند، آنچه بر عهده تو بود، به انجام رسانده ای.»^۲

۱. سوره تحریم، آیه ۶

۲. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۷۴ / عَنْ أَبِي بصير قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ فَلْتُ هَذِهِ نَفْسِي أَيْهَا فَكَيْفَ أَمَرْتُ أَهْلِي قَالَ تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاهُمُ اللَّهُ عَنْهُ فَإِنْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ وَفِيَهُمْ وَإِنْ عَصَوْكَ فَكُنْتَ قَدْ فَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ.

○ پرورش احساس پیام

اما عدم توجه به تربیت فرزندان بر اساس تکلیف محوری موجب می شود که فرزندان ما اهل بندگی نباشند و طوری تربیت شوند که همیشه و همواره بنده نفس باشند و این بنده نفس بودن منجر به این می شود که فرزندان ما عاقبت به خیر نشوند و قطعاً هیچ پدر و مادری دوست ندارد که فرزندش با عاقبت به شری به ملاقات خداوند برود.

پس از مرگ معاویه در سال ۶۰ هجری و تصمیم امام حسین علیه السلام برای آمدن به کوفه، عیدالله از کوفه بیرون آمد تا با امام مواجه نشود. اما در نزدیکی کربلا با وی مواجه شد. نقل است که امام حسین علیه السلام وقتی به منزلگاهی به نام قصر بنی مقاتل یا به روایتی «قططانیه» در چند فرسخی کربلا رسید، خیمه ای دید و پرسید که آن از کیست؟ گفتند از آن عیدالله بن حر جعفری. امام علیه السلام کسی را نزد او فرستاد (بیشتر کتب، نام این فرستاده را حجاج بن مسروق جعفری نوشته اند) تا او را به یاری اردوی امام علیه السلام دعوت کند، ولی او بهانه آورد و گفت: «من از کوفه بیرون نیامدم مگر از ترس اینکه حسین علیه السلام به آنجا آید و من نتوانم یاریش کنم.» فرستاده امام بازگشت و پاسخ عیدالله را به امام علیه السلام رساند.

پس از آن امام حسین علیه السلام خود نیز به خیمه عیدالله رفت و نشست و خدا را سپاس گفت و گفت:

«ای مرد، در گذشته خطا بسیار کردی و خداوند تو را به اعمال مؤاخذه می کند، آیا نمی خواهی در این ساعت سوی او بازگردی و مرا یاری کنی تا جد من روز قیامت، نزد خدا شفیع تو باشد؟» گفت: «یا بن رسول الله، اگر به یاری تو آیم، همان اول کار، پیش روی تو کشته می شوم، و نفس من به مرگ راضی نیست، ولی این اسب مرا بگیر، به خدا قسم تاکنون هیچ سواری با آن در طلب چیزی نرفته مگر اینکه به آن رسیده و هیچکس در طلب من نیامده مگر اینکه از او سبقت گرفته و نجات یافته ام.»

امام حسین علیه السلام از او روی برگرداند و فرمود:

«نه حاجت به تو دارم و نه به اسب تو.»

«اما از اینجا بگریز و برو! نه با ما باش و نه بر ما! زیرا اگر کسی صدای استغاثه ما را بشنود و اجابت نکند، خداوند او را به رودر آتش جهنم می اندازد و هلاک می شود.»

آنگاه امام علیه السلام به خیمه خود بازگشت.^۱ در تاریخ نوشتند فقط هفت سال بعد عبید الله بن حر جعفری از ترس اسیر شدن به دست آل زیبر خود را به فرات انداخت و هلاک شد.

این مصداقی فردی است که تکلیف محور تربیت نشده است و در بزنگاهی که می تواند عاقبت به خیر شود دست رد به بخت و اقبال خود می زند و عاقبت به شر شد.

اما در تاریخ افراد دیگری نیز هستند که به سبب توجه به تکلیف خود عاقبت به خیر به دیدار پروردگار خود رفتند.

زُهَیر بن قَین بَجَلی از هواداران عثمان به شمار می رفت. در سال ۶۰ قمری، او و همسرش به همراه برخی از خویشاوندان و اهل قبیله اش هنگام بازگشت از حج به کوفه، در یکی از منازل بین راه، با امام حسین علیه السلام و همراهانش که به سوی کوفه در حرکت بودند روبرو شدند.^۲ امام حسین علیه السلام شخصی را نزد زهیر فرستاد و خواستار ملاقات با او شد. زهیر در ابتدا تمایلی به این دیدار نشان نداد؛ اما به توصیه همسرش - دیلم یا دَلْهم دختر عمرو^۳ به محضر امام حسین علیه السلام حاضر شد. این دیدار مسیر زندگانی زهیر را تغییر داد. او پس از این ملاقات کوتاه^۴ که گزارش دقیقی هم از جزئیاتش در تاریخ نیست، شادمان نزد خانواده و دوستانش بازگشت و فرمان داد تا خیمه و بار و بُنه او را به کنار خیمه امام حسین علیه السلام منتقل کنند.^۵

۱. الفتوح، ابن اعثم کوفی، ج ۵، ص ۷۴؛ موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۳۶۵.

۲. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۴۶.

۳. بلاذری، انساب الاشراف ج ۳، ص ۱۶۷؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۹۸.

۴. سید بن طاووس، لهوف

۵. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۶۷-۱۶۸؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۹۸؛

زهیر با همسرش نیز وداع کرد و بنا به نقلی همسرش را طلاق داده و به او گفت: «نزد خانواده‌ات برگرد، زیرا نمی‌خواهم از سوی من چیزی جز خوبی به تو برسد.^۱ زهیر بعد از وداع با همسرش، به همراهانش گفت: «هر که دوستدار شهادت است، همراه من بیاید، و گرنه برود و این آخرین دیدار من باشماست».^۲ و این عاقبت فردی است که توجه به تکلیف خود داشته است و همین تکلیف محوری او باعث عاقبت به خیری او نیز شد.

افرادی به اساس تکلیف محوری تربیت شده‌اند همیشه در تاریخ مثل ستاره‌هایی در حال درخشش هستند و به گونه می‌شود گفت تکلیف محورها اسوه‌های تاریخی هستند.

در جریان عملیات خیبر، همچنان که نیروهای ایرانی در برابر ارتش عراق مقاومت می‌کردند هنگامی که شهید همت برای بررسی وضعیت جبهه جلو رفته بود بر اثر اصابت گلوله توپ در نزدیکی اش همراه با معاونش اکبر زجاجی، در غروب ۱۷ اسفند ۱۳۶۲ در محل تقاطع جاده‌های جزایر مجنون شمالی و جنوبی شهید شدند.

فرمانده سپاه سوم عراق در یکی از اظهاراتش گفته بود: «.. ما آنقدر آتش بر جزایر مجنون فرو ریختیم و آن چنان آن جا را بمباران شدید نمودیم که از جزایر مجنون جز تلی خاکستر چیز دیگری باقی نیست» حاج محمد ابراهیم همت در جریان عملیات خیبر به همزمانش گفته بود: «باید مقاومت کرده و مانع از بازپسگیری مناطق تصرف شده، توسط دشمن شد، یا همه اینجا شهید می‌شویم و یا جزیره مجنون را نگه می‌داریم» این تکلیف مداری همت بود که همت را به اسوه‌ای در تاریخ معرفی کرده است.

تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۵۲-۴۵۳.

۱. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۹۶ و شیخ مفید، الارشاد، ص ۷۲-۷۳ و فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۱۷۸ و ابن نما؛ مثير الاحزان، صص ۴۶-۴۷.

۲. الاخبار الطوال، ص ۲۴۶-۲۴۷.

❖ رفتارسازی پیام

اگر ما بخواهیم فرزندانمان را تکلیف محور تربیت کنیم باید به ۲ نکته بسیار مهم و اساسی توجه کنیم که توجه به این دو نکته می‌تواند در این زمینه برای ما بسیار راه گشا باشد.

❖ نمایش تکلیف‌مداری به فرزندان توسط پدر و مادر

مهمترین کاری که برای تربیت تکلیف‌مداری در فرزندان باید به آن توجه کنیم این است که فرزندان ما تکلیف‌مداری را در ما ببینند و فرزندان پدر و مادر خود را افرادی تکلیف‌مدار بدانند.

بهترین نوع تربیت فرزندان این است که پدر و مادر از گزاره‌های غیر مستقیم استفاده کنند، یعنی فرزندان ما از ما تکلیف‌مداری را ببینند که در اینصورت پدر و مادر توانسته‌اند به صورت غیر مستقیم فرزندان خود را تکلیف‌مدار تربیت کنند. یکی از اموری که می‌تواند مصداق تکلیف‌مداری والدین در مقابل چشم فرزندان‌شان باشد همین فرزندآوری بیشتر برای خدا و اطاعت از امر ولی است، این که بچه‌ها ببینند فلسفه به دنیا آمدن‌شان و زحمت کشیدن پدر و مادر برای‌شان عمل به تکلیف بوده است یا این که ببینند پدر و مادر اگر در بین دوستان و آشنایان جایی احساس تکلیف می‌کنند از فرزندآوری بیشتر که ضرورت امروز کشور است صحبت کنند، با شجاعت و اعتقاد این کار را می‌کنند و یا در موارد دیگر پدر و مادرها به زبان بیاورند برای خدا و ریا هم نیست که بچه‌ها بدانند و مکرر بشنوند که فلان کار را با همه سختی‌هاش انجام میدم چون تکلیفی که خدا ازم خواسته، درس می‌خوانم چون تکلیف است، دنبال نان حلال می‌روم چون تکلیف است، کارهای خونه رو انجام میدم چون تکلیف است و...

❖ تمرین تکلیف‌محوری با فرزندان

خیلی خوب است که پدر و مادر در خانواده موضوعات تربیتی خاص مثل همین موضوع تکلیف‌محوری را با فرزندان خود تمرین کنند و فرزندان خود را

در محل‌هایی مورد امتحان تکلیف محوری قرار دهند تا این موضوع برای آن‌ها ملکه ذهنی شود، تکلیف محوری در فرزندان با تعریف مسئولیت برای آن‌ها امکان پذیر می‌باشد که ما این نوع تربیت را در مدل تربیتی اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌بینیم. در مورد خانواده حضرت زهرا (علیها‌السلام) باید بگوییم که امام حسن (علیه‌السلام) در دوران هفت سالگی، به مسجد می‌رفت و پای منبر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌نشست و آنچه در مورد وحی از آن حضرت (علیه‌السلام) می‌شنید به منزل باز می‌گشت و برای مادرش فاطمه زهرا (علیها‌السلام) نقل می‌کرد. (به این ترتیب که همچون یک خطیب روی متکائی می‌نشست و سخنرانی می‌نمود و در ضمن سخنرانی آنچه از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرا گرفته بود بیان می‌کرد.)

این مصداقی است از اینکه در این خانواده به کودک هفت ساله مسئولیت داده اند که به مسجد برود و سخنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را برای مادر بازگو کند، همین که به یک کودک در این حد تکلیفی از طرف مادر معین می‌شود و کودک نیز خود را موظف به انجام آن تکلیف می‌داند منجر به تکلیف مداری فرزندان خواهد شد. بله از مهم‌ترین عواملی که منجر به تکلیف مداری فرزندان ما می‌شود تعریف کردن مسئولیت برای آن‌ها است.

به عنوان مثال مادر در خانواده برای هر کدام از فرزندان تکلیفی تعریف کنند مثلاً پسر بزرگ خانواده خریدها رو در طول روز که پدر نیست انجام دهد، دختر بزرگ خانواده ظرف‌های ظهر را بشورد، دختر کوچک خانواده سفره را بعد از نهار و شام برای جمع کردن و پهن کردنش کمک کند و پسر کوچک خانواده در تا کردن لباسها به مادر کمک کند و مادر به جد این وظایف را در طول هفته از آنها بخواهد تا تکلیف را به نحو احسن انجام دادن را تمرین کنند و البته خوب است هر چند ماه یکبار وظایف تغییر کند ولی همه یاد بگیرند در خانه یک تکلیف دارند، نسبت به آینده خود شون یک تکلیف دارند که درس خوب بخوانند، نسبت به خدا یک تکلیف دارند که نماز را اول وقت بخوانند و...

و جالبه که بدونید این تمرین در خانواده‌های دارای فرزند زیاد خیلی بهتر

قابل انجام و نتیجه گرفتن هست زیرا وقتی بچه‌ها به همدیگر نگاه می‌کنند و می‌بینند هر کدام یک تکلیفی دارند راحت‌تر و بهتر تکلیف محوری رو در زندگی یاد می‌گیرند و به طور کلی کار تربیتی در خانواده‌های خوش جمعیت بهتر از خانواده‌های کم جمعیت و تک‌فرزند جواب می‌دهد و معمول فرزندان خانواده‌های تک‌فرزند لوس و ضعیف و از زیر تکلیف در رو ناتوان از به عهده گرفتن مسوولیت بار می‌آیند.

• پرورش احساس موضوع

تمام این راه کارها زمانی شکل صحیح به خود می‌گیرد که اسوهٔ تکلیف مداری یعنی وجود نازنین سیدالشهدا (علیه السلام) در زندگی ما به عنوان یک الگوی تکلیف مدار جای خود را پیدا کند و لحظه به لحظه زندگی ما با الگوگیری از امام حسین (علیه السلام) در مسیر تکلیف مداری شکل بگیرد و ما این مدل از سبک زندگی، یعنی زندگی با الگوگیری تام از سیدالشهدا (علیه السلام) را در میان شهدای عزیزمان بسیار دیده ایم.

عملیات در طلائیه به سختی دنبال می‌شد و فقط غیرت بچه‌ها بود که کار را جلو می‌برد. منحنی زن‌های عراق، منطقه را شخم می‌زدند و وجب به وجب خمپاره‌ای بر زمین می‌نشست و رزمنده‌ای بر زمین می‌افتاد. در آن سختی کار، شهید میثمی (رحمه الله) گفت:

«هر کس در طلائیه ایستاد، اگر در کربلا هم بود، می‌ایستاد.»

این سخن در شرایط سخت جنگ در طلائیه که زبان زد عام و خاص است نشان دهنده این موضوع است که حسینی زیستن یعنی تمرکز بر روی تکلیف بدون هیچ کوتاهی و عقب‌نشینی.

اما در تاریخ همین انقلاب نیز افرادی بودند که با امام حسین (علیه السلام) بودند اما در موضوع تکلیف مداری وجود نازنین سیدالشهدا (علیه السلام) هیچ جایگاه الگویی‌ای برای آنها نداشت و در بزنگاه‌هایی که باید با تکلیف مداری خود از پیچ انحراف یا سعادت می‌گذشتند متاسفانه در دره انحراف سقوط کردند.

• رفتارسازی موضوع

امام شاید شماها پیرسید چگونه می‌توانیم تکلیف خود را بشناسیم؟
طبق آیات و روایت دوره مهم، از بین راه‌های مختلف برای شناخت
تکلیف بیان شده است:

✦ درک شرایط زمان خود

انسان نباید نسبت به اتفاقات پیرامون خود بی تفاوت باشد؛ بلکه باید شرایط
زمان خود را خوب درک کند تا هم دیندار زندگی کند و هم دین خود را حفظ
کند؛ چرا که بعضی اتفاقات به مرور روح دینداری و اصل عبودیت را در
انسان و جامعه زایل کرده و انسان از هدف متعالی خویش که همان هدایت
و سعادت دنیا و آخرت است باز می‌ماند.

امام صادق (ع) می‌فرمایند:

«وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلَّهُ فِي أَرْبَعٍ: أَوَّلُهَا: أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ، وَالثَّانِي: أَنْ
تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ، وَالثَّلَاثُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَالرَّابِعُ: أَنْ
تَعْرِفَ مَا يَجْرُجُكَ مِنْ دِينِكَ»^۱

علم مردم را همه، در چهار موضوع دانستم: اول پروردگارت را بشناسی.
دوم بدانی با توجه کرده سوم بدانی از توجه خواسته. چهارم بدانی
چه چیز تو را از دینت بیرون می‌برد.

بنابراین بر هر انسان دینداری که نسبت به دین و سعادت خود احساس
تکلیف و مسئولیت می‌نماید واجب است شرایط حاکم بر زمان خود را هر
چه بیشتر و بهتر بشناسد تا اگر دشمن توطئه‌ای در پیش گرفته باشد با درایت
و اقدام مناسب آن را خوب شناخته و خیلی زود خنثی کند.

امام صادق (ع) فرمود:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَايِسُ»

هر کس زمان شناس باشد شبهات به او هجوم نمی‌آورند.^۲

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱ ص ۱۲۴

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱ ص ۲۷

و در این راه اگر همه دینداران به این شناخت و درک مناسب برسند، یک اقدام هماهنگ و دسته جمعی برای حفظ دین و انجام تکلیف الهی صورت خواهد گرفت. و این به این معنی نیست که اگر دیگران به این حقیقت دست پیدا نکرده باشند تکلیف از دوش آگاهان برداشته خواهد شد. بلکه هر کس در حد توان خود باید به تکلیف خویش عمل کند.

به عنوان مثال امروز یک مومن با بصیرت باید با دقت در مواضع دشمن و تلاشهای او در رسانه‌ها و فضای مجازی، تکلیف خودش را در نقطه مقابل پیدا کند، اگر دشمن کم‌فرزندی را تبلیغ می‌کند باید تکلیف را در ترویج خوش‌فرزندی یافت اگر دشمن ولایت را تضعیف می‌کند باید تکلیف را تقویت و تبعیت ولایت یافت.

✦ پیروی از امام و رهبر جامعه

یکی از بهترین روش‌های شناخت تکلیف، پیروی از رهبر و ولی امر است. ایشان با علم و آگاهی عمیق و خاص خود، شرایط را بخوبی زیر نظر داشته و تکالیف هر زمان را بر حسب آن شرایط معین می‌نماید، تا افراد جامعه دینی بر حسب وظیفه و توان خویش برای انجام تکلیف خود اقدام نمایند. بنابراین ارتباط با ولی امر و رهبری حکومت یکی از ضروریات جامعه مسلمین است. تا با ارتباط با ایشان اوضاع و شرایط حاکم خوب درک شده و تکالیف جامعه مشخص گردد. قرآن در این زمینه می‌فرماید:

«...فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

شما اگر خود نمی‌دانید بروید و از اهل ذکر (و دانشمندان امت) سؤال کنید.^۱ جامعه مسلمین با اطاعت و پیروی از ایشان در راه شناخت و انجام تکلیف قدم برمی‌دارند. این روش و شیوه یکی بزرگترین ارکان دین است همان‌طور که امام محمد باقر (ع) می‌فرمایند:

۱. سوره نحل، آیه ۴۳

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودَى بِالْوَلَايَةِ»

اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و هیچ یک آن‌ها آن گونه که ولایت مطرح شده است، مطرح نگشته است.^۱ و خداوند اطاعت از امر آنان را واجب و شرط حل اختلافات و ایمان و دینداری دانسته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»

ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش عاقبت‌تر خواهد بود.^۲

این دو مورد از نکات کلیدی ای است که هر که دغدغه دارد و دنبال تکلیف خود می‌گردد باید به این دو موضوع توجه خاص داشته باشد.

در این زمینه مقام معظم رهبری رحمته الله علیه می‌فرماید: کسی که برای تکلیف عمل می‌کند، دچار تردید و تزلزل نمی‌شود؛ ترسیده و خسته نمی‌شود؛ از راه بر نمی‌گردد و مصلحت‌اندیشی‌های شخصی، تعیین‌کننده راه و جهت‌گیری او نمی‌شود.^۳

و امروز یکی از موضوعاتی که مقام عظمای ولایت به صورت موکد بر آن تاکید کرده‌اند و می‌کنند موضوع جمعیت و خطری است که از این جهت کشور و محبین اهل بیت علیهم السلام را تهدید می‌کند، تا جایی که در طول دو سال قریب به ۴۰ مرتبه در سخنرانی‌های مختلف، تکلیف فرزندآوری و تلاش برای ترویج و تقویت آن را یادآوری کرده‌اند.

۱. حکیمی، محمد رضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، ۱۳۸۰: ۲۷۷

۲. سوره نساء، آیه ۵۹

۳. بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۳/۳/۱۴

کسی که می‌خواهد در مسیر تکلیف مداری قدم بردارد باید با آغوش باز به استقبال فداکاری برای خدا برود و در این مسیر به خدا توکل کند و در تربیت نسلی حسینی برای رکاب فرزندش حضرت مهدی عج از هیچ کمک و فعالیتی دریغ نکند. آن چنان که پدران و مادران شهدا این گونه عمل کردند و فرزندانی تکلیف مدار تربیت کردند که مایه روسفیدی آنها در دنیا و آخرت شد. مرحوم علی اکبر همت [پدر شهید همت] داستانی را بیان می‌کند که گفتن آن خالی از لطف نیست.

پاییز سال ۱۳۳۳ به همراه جمعی از همشهری‌ها برای زیارت حرم امام حسین ع راهی کربلا شدیم. آن روزها سفر به کربلا خیلی سخت و طاقت‌فرسا بود. مخصوصاً برای همسر من که باردار هم بود. بعد از آنکه مأموران مرزی عراق اجازه دادند، به سمت خانقین حرکت کردیم. راه پراز دست‌انداز باعث شد تا حال همسرم بد شود. پسران پسران بردیمش پیش یک دکتر عراقی. معاینه‌اش کرد و گفت: بچه صد درصد سقط شده!

برگشتنی با درشکه آمدم، رفتیم منزل‌مان که مقابل حرم حضرت سیدالشهدا ع بود. تا چشم مادرش افتاد به حرم طاقت نیاورد. گریه کرد و گفت: من هزار کیلومتر، ۲ هزار کیلومتر راه آمده‌ام، بیایم خدمت امام برسم، نه اینکه بروم یک گوشه بنشینم. هرچه اصرار کردم که حالش خوب نیست و باید مدارا کند افاقه نکرد. مجبور شدم بیرمش حرم. تا نیمه شب آنجا بود و وقتی برگشت از او پرسیدم: حالت؟ گفت: بهترم. رفتیم منزل. با پتو برده بودیمش و حالا داشت با پای خودش برمی‌گشت. خوابیدیم. نیمه شب ناگهان دیدم که صدای گریه می‌آید. بلند شدم دیدم نشسته سر جایش دارد گریه می‌کند. گفتم: چی شده؟ درد باز آمده سراغت؟ سر تکان داد. حرف نمی‌زد. گریه هم امانش نمی‌داد. فقط توانست بگوید: نه.

گفت: خواب دیدم. خواب دیده بود که یکی از زن‌های عرب حرم، سیاه‌پوش و قد بلند، آمده بچه‌ای را داده به او و گفته: این بچه را بگیر. بچه را که از دست زن می‌گیرد از خواب می‌پرد. می‌نشیند به گریه کردن. مادرم

کنارش بود دل‌داری اش می داد. می گفت: خیالتان تخت. بچه سالم است. گفتم: دکتر که شنیدی چی گفت؟ گفت: دکتر را ولش کنید. از این حرف ها زیاد می زنند. این خواب نشانه است.

شب گذشت. صبح بلند شدیم رفتیم پیش همان دکتري که گفتم. معاینه اش که تمام شد، ماتش برد. همین طور نگاهمان می کرد. حرف نمی زد. گفتم: چی شده؟ نمی فهمید چه می گویم. یک عرب همراهمان برده بودیم، مش علی پور (کفشار حرم) که برایمان بگوید او چه می گوید یا ما چه می گوئیم. به دکتر گفت چی می گویم. دکتر نمی توانست باور کند بچه سالم است. می گفت: قابل باور نیست. شما دیشب رفتید پیش کی؟ منظورش دکتر بود. گفتیم: دکتر دیگری نرفتیم. مستقیم رفتیم خانه خوابیدیم. دکتر گفت: یعنی هیچ دوا و درمانی نکردی؟ بیمارستان و جایی نرفتید؟ گفتم: نه. دکتر گفت: غیرممکن است. به مش علی پور گفت: کار کیه؟ مش علی پور گفت: همان اصل کاری. به من گفت: مگر نرفتید حرم؟ گفتم: چرا. خندید و گفت: کار ارباب خودمان است پس. دکتر تا شنید چی شده و کجا رفته ایم هر چی پول و ویزیت و نسخه داده بودیم را به ما برگرداند. یک مشت دارو هم نوشت و گفت: خیلی مواظب شان باشید. هردویشان از خطر جستند، بچه بیش تر.

۴ ماه کربلا ماندیم و برگشتیم. نیمه بهمن رسیدیم شهرضا. بچه صبح روز سیزدهم فروردین ۱۳۳۴ به دنیا آمد. اسمش را به خاطر آن خواب و آن عزیزی که حدس می زدیم حضرت زهرا علیها السلام باشد، گذاشتیم محمد ابراهیم. بعد از شنیدن این داستان متوجه شدم اون داعی که شهید محمد ابراهیم همت همیشه بیان می کرد مستجاب شده است.

ایشان همیشه دعا می کرد خدایا ما را حسینی زنده بدار حسینی بمیران و حسینی محشور فرما که مستجاب شد. آخر مجلس هم اجازه بدید با همین دعای شهید حاج محمد ابراهیم همت دعا کنیم
خدایا به حق امام حسین علیه السلام ما را حسینی زنده بدار و حسینی بمیران و حسینی محشور بفرما...

جلد دوم

موضوع

حضرت ابی الفضل الگومی لاییت مداری

پیام

۱۵) در ترتیب زنده تریبیت و لایت مدار

خط

صَلَّى
لِسَانُ
اللَّهِ
أَنْ
يَقْبَلُوا
قَوْلِي
اللَّهُ
بَصِيرٌ
بِالْعِبَادِ
أَوْصِ
قَوْمِي
إِلَى
الْحَسَنِ
وَالْإِقْدَارِ
يَسِّرْ
لِي
الْخَلْقَ
الَّذِينَ
يُحْمَدُ
لِلَّهِ
الْحَمْدُ
الْعَالَمِينَ
وَالصَّالِحِينَ
الرَّحِيمِ
يَسِّرْ
لِي
الْخَلْقَ
الَّذِينَ
يُحْمَدُ
لِلَّهِ
الْحَمْدُ

١ سورة طه آية ٢٥ تا ٢٨
٢ سورة غافر آية ٢٨
٣ ٤٣

۱. سوره طه آیه ۲۵ تا ۲۸
۲. سوره غافر آیه ۴۴

● انگیزه سازی موضوع

امشب شب ولادت آقای است که محبوبیتش فقط در بین ما شیعیان نیست، امشب شب ولادت آقای است که محبوبیتش فقط بین مسلمانان هم نیست، امشب شب ولادت اون آقای است که محبوبیت بی نظیری رو حتی در بین مسیحی ها و ارمنی ها دارد.

شب ولادت قمر منیر بنی هاشم با خودم می گفتم که بحث را از کجا شروع کنم و به این نتیجه رسیدم که چه کسی می تواند پسر حضرت ام البنین علیها السلام را بهتر از امام معصوم معرفی کند.

یک وقتی است من طلبه از کسی را توصیف می کنم و از کسی تعریف می کنم، اما یک وقت است که وجود نازنین امام زین العابدین علیه السلام از کسی تعریف می کند، فرمودند کلام الامام امام الکلام است، قطعاً تعریف و توصیف امام معصوم فراتر از ظواهر امور است و پرده از حقائق عالم بر می دارد.

وجود نازنین امام سجاد علیه السلام در مورد عموی خود حضرت ابالفضل علیه السلام می فرماید:

رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ آثَرُوا بَلِيَّ وَفَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ
يَدَاهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي
الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لِحَقَرَيْنِ أَبِي طَالِبٍ وَإِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى مَنْزِلَةً يَغِيْطُ بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

خداوند عباس را رحمت کند که از خود گذشت و رنج‌ها کشید و خود را فدای برادرش کرد تا اینکه دو دستش بریده شد و خداوند عزوجل به جای آن دو بال در بهشت به او ارزانی کند که با فرشتگان به پرواز درآید همان گونه که به جعفر بن ابی طالب نیز دو بال در بهشت عنایت می‌کند. عباس علیه السلام نزد خدای تبارک و تعالی جایگاهی دارد که روز قیامت تمام شهدا به آن غبطه می‌خورند.^۱

دوستان من این تعریف از امام معصوم که همچون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ»^۲ است، بیان قابل تاملی است و جایگاه و مقام مولود امشب را به رخ جهانیان می‌کشد.

○ اقناع اندیشه موضوع

مهمترین سوال بعد از شنیدن همچنین جایگاه رفیعی برای وجود نازنین قمر بنی هاشم علیه السلام طبیعتاً این است که: چه عاملی باعث شد که همچنین مقام رفیعی در قیامت نصیب و روزی حضرت عباس علیه السلام شود؟
چه عاملی باعث شد که وجود نازنین قمر بنی هاشم از شهدای کربلا بلکه از تمام شهدای اسلام یک سر و گردن بالاتر باشد و تمام شهدا به جایگاه و مقام ایشان غبطه بخورند؟

اگر بخواهم به این سوال پاسخ بدهم باید بگویم عوامل مختلفی منجر به رسیدن حضرت عباس علیه السلام به این جایگاه شد ولی مهمترین عامل را میتوان ولایت پذیری قمر بنی هاشم علیه السلام دانست، ولایت پذیری ای که تحت تربیت مادر بزرگوارشان حضرت ام البنین علیها السلام به آن رسیده بودند.

حضرت عباس علیه السلام در همه عمر شریفشان به تمام معنا و صد درصد مطیع و تسلیم امام زمان خودشان بودند و هیچ وقت خودش را برابر و هم طراز امام مجتبی علیه السلام یا امام حسین علیه السلام ندانست.

۱. امالی شیخ صدوق، ص ۴۶۲

۲. سوره نجم آیه ۳

همیشه از همان کودکی در اثر تربیت صحیحی که از ناحیه پدر و مادر کسب کرده بود، خودش را با امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام یکی نمی دانست و همیشه مانند عبدی خاضع و خاشع در مقابل آن دو بزرگوار بود و اطاعت امر آن بزرگواران را انجام می داد.

حضرت عباس علیه السلام مصداق بارز این فراز از زیارت ناحیه مقدسه بودند.

«مَنْ أَتَاكُمْ فَبَا وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكْ»

آنکه به سوی شما آمد نجات یافت، و هر که نیامد هلاک شد!

اما یک چیز را باید بدون تعارف امشب بگویم؛

باید بگویم با اینکه مهمترین و بارزترین ویژگی مولود امشب ولایت مداری ایشان است که او را به جایگاه های رفیع رسانده است اما متأسفانه ما می بینیم که نگاهمان در این موضوع بسیار مهم به حضرت عباس علیه السلام نگاه صحیحی و همراه با الگوگیری درست نیست.

واقعا چرا ما به عنوان یک اسطوره ولایت مداری وجود نازنین حضرت عباس علیه السلام را الگویی برای خود نمی گیریم؟

مهمترین دلیلش این است که آنقدر که از ویژگی های دیگر حضرت عباس علیه السلام مثل شجاعت و رزم آوری و ادب و.. که همه آنها هم مهم است و با ارزش، گفته شده است کمتر از ویژگی ولایت مداری حضرت عباس علیه السلام گفته شده است، کمتر از ولایت مداری آن آقایی گفته است که لحظه به لحظه زندگی با برکتش امتحان ولایت مداری بوده است.

حضرت عباس علیه السلام در تمام عمر، ولایت مداری از امام زمان خود را در برابر اطرافیان به نمایش گذاشتند، در زمان برادر مظلومش امام مجتبی علیه السلام چون امام زمانش بدلیل مصلحت مسلمانان، صلح را انتخاب کرد، آن بزرگوار نیز به تبع امامش بدون اینکه کوچکترین مسئله ای حتی در قلب و فکرش خطور کند، به آن امام مظلوم اقتدا کرده و سکوت کرد. همین عباس علیه السلام که در آن زمان، امام زمانش را آنگونه با عمل خویش یاری کرد، در زمان سیدالشهدا علیه السلام

۱. زیارت جامعه کبیره

هم وقتی ایشان تصمیم به قیام و جنگ گرفت، تابع امام زمان خود بود و با وجود امان نامه، یک لحظه از امام حسین علیه السلام غافل نشد تا عاقبت در راه دین و امامش شهید شد.^۱

وجود نازنین قمر بنی هاشم علیه السلام در بزنگاه‌های تاریخی ولایت مداری خود به دیگر یاران و انصار اهل بیت علیهم السلام دیکته کردند یکی از آن بزنگاه‌های تاریخی هنگام شهادت امام مجتبی علیه السلام بود، حضرت عباس علیه السلام در آن زمان بیست و چهار سال داشت. او در تشیع جنازه برادرش شرکت داشت. وقتی بدن مبارک امام تیرباران شد، حضرت عباس علیه السلام دست بر شمشیر برد؛ امام حسین علیه السلام چون متوجه شد، برادر را از جنگ و درگیری به سبب وصیت امام مجتبی علیه السلام بازداشت. امام حسین علیه السلام فرمود: برادرم حسن علیه السلام این گونه وصیت فرمود:

«لَا تُهْرَقَ مِن أَمْرِ مُحِبَّةٍ مِن دَمٍ»

در تشیع جنازه/م قطره خونی ریخته نشود.

ابوالفضل علیه السلام خشم خود را فرو نداشت و بر آن توهین شکیبایی کردند.^۲ به دوستان من، لحظه به لحظه زندگی قمر بنی هاشم علیه السلام درس ولایت مداری است. از جاهایی که می شود دوباره ولایت مداری فرزندان ام البنین علیها السلام را دید شب عاشورا است در آن لحظه ای که یاران اباعبدالله علیه السلام در خمیه بزرگ جمع شده بودند و حضرت سیدالشهدا علیه السلام یارانش مخیر فرمودند تا هر کسی که می خواهد از تاریکی شب استفاده کند تا امام حسین علیه السلام را بالشکر اهریمنان تنها بگذراند در آن زمان، اولین کسی که اعلام وفاداری و ولایت مداری می کند حضرت عباس علیه السلام است.^۳

۱. قاسم، رجبیان، ابوالفضل العباس علیه السلام، ج ۲، چاپ دوم، قم: عصر رهایی، ۱۳۹۳.

ص ۲۳۲ تا ۲۳۳

۲. مرتضی، آقانهانی، یاران شیدای حسین بن علی، چاپ سوم، تهران: صادق آل محمد،

۱۳۸۵. ص ۲۹۹

۳. «جَاءَ اللَّيْلُ فَجَمَعَ الْحُسَيْنُ علیه السلام أَصْحَابَهُ فَحَمَدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ أَمَا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَصْلَحَ مِنْكُمْ وَلَا أَهْلَ بَيْتٍ أَبْرَأَ أَفْضَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَخَرَّ كُلُّهُمْ لِلَّهِ جَمِيعًا

وفاداری و ولایت مداری حضرت عباس علیه السلام در کربلا، به همین جا ختم نمیشه؛ وقتی که امان نامه از طرف شمر به او و برادرانش داده می شود تا امام حسین علیه السلام را تنها بگذارند حضرت عباس و برادرانش نه تنها نمی پذیرند بلکه حضرت عباس علیه السلام پاسخی به شمر دادن که با غضب به طرف لشکر اشقیا برگشت. ^۱ موقع جنگ که می شود حضرت عباس علیه السلام برادران تنی اش، پسران ام البنین علیه السلام را جلوتر از خودش به میدان می فرستد باز برای اینکه به عالم نشان دهد که عباس و تمام تعلقات او فدای امام زمانش یعنی سیدالشهدا علیه السلام است. ^۲ این است آموزش ولایت مداری از جانب بهترین معلم که ولایت مداری را با خون خود به ما آموخت. و این ولایت مداری عباس علیه السلام بود که آن را به این جایگاه رفیع رساند.

خداوند متعال در قران کریم می فرماید:

«مَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي» ^۳

هر کس از من پیروی کند از من است

عَنْ خَيْرٍ وَهَذَا اللَّيْلُ قَدْ عَشَيْتُمْ فَاتَّخِذُوهُ جَمَلًا وَلْيَأْخُذْ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَتَقَرَّبُوا فِي سَوَادِ هَذَا اللَّيْلِ وَذُرُونِي وَهَؤُلَاءِ الْقَوْمُ إِيَّاهُمْ لَا يُرِيدُونَ غَيْرِي. فَقَالَ لَهُ إِخْوَتُهُ وَأَبْنَاؤُهُ وَأَبْنَاؤُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ وَلَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ لِيَتَّبِعَنِي بَعْدَكَ لَا أَرَأَاكَ اللَّهُ ذَلِكَ أَبَدًا هُمُ بِذَلِكَ الْقَوْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام ثُمَّ تَابَعُوهُ. / اللهوف على قتلى الطفوف / ترجمه فهری، ص: ۹۱

۱. "سَمِعْتُ زَيْدَ الْجَوْشَنِ لَعَنَهُ اللَّهُ قَتَادَةَ ابْنَ بَنُو أَخِي عَبْدِ اللَّهِ وَجَعَفَرُ الْعَبَّاسُ وَعَثْمَانُ فَقَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام أَجِيبُوهُ وَإِنْ كَانَ فَاسِقًا فَإِنَّهُ بَعْضُ أَحْوَالِكُمْ فَقَالُوا لَهُ مَا شَأْنُكَ فَقَالَ يَا بَنِي أَخِي أَنْتُمْ آمِنُونَ فَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ مَعَ إِخِيكُمُ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَالرُّمُوطَا عَاةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَزِيدُ قَالَ قَتَادَةُ الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ تَبَّتْ يَدَاكَ وَلَعَنَ مَا جِئْتَ بِهِ مِنْ أَمَانِكَ يَا عَدُوَّ اللَّهِ أَ تَأْمُرُنَا أَنْ نَتْرَكَ أَعْمَانًا وَسَيِّدَنَا الْحُسَيْنَ بْنِ فَاطِمَةَ عليه السلام وَنَدْخُلَ فِي طَاعَةِ الْعُنَاءِ وَأَوْلِدِ الْعُنَاءِ قَالَ فَرَجَعَ السَّيْمَرُ لَعَنَهُ اللَّهُ إِلَى عَسْكَرِهِ مُغَضَّبًا. / اللهوف على قتلى الطفوف / ترجمه

فهری، النص، ص: ۸۹

۲. دمع السجوم ترجمه نفس المهموم / ایت الله شعرانی ص ۲۷۹ "...ای فرزندان مادر من پیش روید تا من اخلاص شما را در راه خدا و رسول بینم..."

۳. سوره ابراهیم آیه ۳۶

علامه طباطبائی رحمته الله در تفسیر المیزان ذیل این ایه شریفه می‌فرماید: مراد از تبعیت در جمله: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي» پیروی هم در اعتقاد و هم در عمل است^۱ که وجود نازنین قمر بنی هاشم علیه السلام در این زمینه بهترین الگو برای ما می‌تواند باشد. وجود نازنین قمر بنی هاشم علیه السلام به عنوان یک ولایت مدار در بالاترین رتبه و درجه به مقامی رسیده بودند که مدال افتخار جمله «بنفسی انت»^۲ را از سیدالشهدا علیه السلام داشتند و باید خدمت شما عرض کنم که این مدال کم مدالی نیست که وجود نازنین معصوم به فردی بگوید «فدایت شوم» و در تاریخ هم کمتر کسی است که این مدال را در افتخارات خود داشته باشد و همه این مقام را حضرت ابوالفضل علیه السلام مدیون مادری است که ولایت‌مداری را با همه وجود و در همه مسیر رشد به او عاشقانه آموخت، حضرت عباس و سه برادر شهیدش در کربلا درسی را به عالمیان آموختند که سالها سر کلاس تربیتی خانم حضرت ام البنین سلام الله علیها آموخته بودند.

○ انگیزه‌سازی پیام

از آنچه بیان کردم معلوم می‌شود یکی از اصول کلیدی که باید در تربیت فرزند انمون بهش توجه داشته باشیم تا به درجات و افتخارات بزرگ معنوی دست پیدا کنند همین تربیت ولایت‌مدار آنهاست، همان طور که بیان شد ولایت پذیری باید به عنوان یک روش تربیتی از همان دوران کودکی در وجود انسان پرورش پیدا کند و به صورت یک صفت ممدوح اخلاقی در وجود انسان ملکه گردد تا در لحظه‌های حساسی که ولایت پذیر بودن یا نبودن انسان سعادت و شقاوت او را تعیین می‌کند بتواند انتخاب درستی داشته باشد. در زمانه ما خیلی از پدر و مادرهای مومن و حتی انقلابی و ولایی وقتی از شون سوال میشه که چرا فرزندان بیشتری نمی‌آورید تا هم در دنیا زندگی شیرین‌تری داشته باشید و هم در آخرت باقیات الصالحاتون باشند، پاسخ می‌دهند:

۱. ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص: ۱۰۳

۲. نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا / ترجمه وقعة الطف، ص: ۱۳۲

می ترسیم از پس تربیت صحیحشون بر نیاییم و نتوانیم جوری تربیتشون کنیم که نور چشم دنیا و آخرت و مایه آبرومندیمون باشند.

بنده می خواهم در پاسخ به این دغدغه اینگونه پدر و مادرها عرض کنم اگر در مقام تربیت فرزندانتون ۳ اصل کلیدی تربیت را رعایت کنید و آنها رو با بهترین الگوهای این ۳ اصل مهم تربیتی مانوس کنید جای نگرانی نخواهد بود و اگر مانند خانم حضرت ام البنین علیها السلام ۴ فرزند هم داشته باشید میتوانید فدایی امام زمان عجل آنها را تربیت کنید.

اما دوستان من باید خدمت شما عرض کنم که اولین قدم برای تربیت ولایی فرزندان این است است که به آنها سلسله مراتب ولایت را بیاموزیم که خداوند متعال و وجود نازنین اهل بیت علیهم السلام نیز همین گونه به تبیین ولایت و ولایت مداری پرداخته اند.

در این زمینه امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِرَجُلٍ أَنْتَ وَمَالُكَ لِأَيِّكَ»^۱

پیامبر خدا برای مردی فرمودند: «تو و مالت برای پدرت می باشد

بله، طبق این روایت و دیگر روایاتی که در این موضوع داریم اولین چیزی که باید به فرزندان در خانواده آموخته شود این است که احترام والدین به دلیل ولایتی که بر او دارند واجب است، اگر بچه ای این موضوع را در دوران کودکی آموخت و ولایت والدین را پذیرفت هنگامی که بزرگ شد و به او گفته شد امام هم مثل پدر بلکه هزار برابر بالاتر از آن است بچه می تواند جایگاه رفیع امام را درک کند و با تمرین ولایت پذیری ای که در دوران کودکی نسبت به والدین خود داشته در ولایت پذیری نسبت به امام نیز کم نمی آورد.

● اقناع اندیشه پیام

یکی از مهمترین دلائلی که ما خانواده ها توجهی به موضوع ولایت مداری در تربیت بچه هامون نداریم این است که ملتفت به نقش ولایت مداری در

۱. معانی الأخبار، جلد ۱، صفحه ۱۵۵

تربیت صحیح و رشد متعالی فرزندانمان نیستیم.

در حالی که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) ولایت و ولایت مداری در تمام سعادت و ارزشمندی یک انسان دارای نقش تعریف شده است و تمام اعمال بدون ولایت هیچ ارزشی ندارد.

امام باقر (علیه السلام) در حدیث می فرماید:

«لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلُهُ وَصَامَ نَهَارُهُ وَتَصَدَّقَ بِمَجْمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَلَمْ يَعْرِفْ وَلَايَةَ وَلِيِّ اللَّهِ فَيُؤَالِيَهُ وَيَكُونَ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ أَبَدًا»^۱

اگر مسلمانی تمام شب‌ها شب زنده داری کند و تمام روزها روزه داری نماید و تنها به پرداخت وجوه شرعیّه واجب اکتفا نکند، بلکه تمام اموال و سرمایه‌اش را در راه خدا صدقه بدهد، و در تمام طول عمرش هر ساله به حج برود، ولی اهل ولایت نباشد و «ولیّ الله» را شناسد تا ولایتش را به گردن نهد، و اعمالش را طبق دستور او انجام دهد، چنین مسلمانی هرگز انتظار ثواب و پاداش الهی را نداشته باشد.

در روایتی دیگر بی بی دو عالم حضرت زهرا (علیها السلام) می فرماید:

«عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص قَالَتْ خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِكُمْ وَغَفَرَ لَكُمْ عَامَّةً وَلِعَلِّي خَاصَّةً وَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَابٍ لِقِرَابَتِي هَذَا جَبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ وَإِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيِّ حَقَّ الشَّقِيِّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ»^۲

حضرت زهرا (علیها السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شب عرفة نزد ما آمد و فرمود به راستی خدای تبارک و تعالی به شما مباحثات دارد؛ همه شما را عموماً و به خصوص علی (علیه السلام) را آمرزیده و من رسول خدایم به سوی شما و این از روی دوستی و خویشاوندی نیست؛ این جبرئیل است که به من خبر می دهد؛ قطعاً خوشبختی، همه خوشبختی و حقیقت خوشبختی برای

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۹۴، باب ۱۷

۲. الأمالی (للصدوق)، جلد ۱، صفحه ۱۸۲.

کسی است که علی علیه السلام را در زندگی و پس از مرگش دوست دارد و قطعاً بدبخت، همه بدبختی و حقیقت بدبختی برای کسی است که علی علیه السلام را در زندگی و بعد از مرگش دشمن دارد.

واقعاً بعد دانستن چنین جایگاهی برای ولایت و ولایت مداری خیلی بی انصافی است که ما پدر و مادرها فرزندانمان را از این توفیق الهی محروم کنیم و در تربیت ما ولایت مداری فرزندانمان جایگاهی نداشته باشد.

● پرورش احساس پیام

ما در صحنه‌های زیبای تاریخ دیده‌ایم که افراد نام‌دار و ارزشمند همیشه ارتباط خاصی با موضوع ولایت و ولایتمداری داشته‌اند و می‌توان گفت در تربیت آن‌ها موضوع ولایت مداری اهمیت بسزایی داشته است و ولایت مدار تربیت شده‌اند. همین موضوع ولایتمداری در سیره اخلاقی فرماندهان و سرداران شهید دفاع مقدس به صورت پررنگ به چشم می‌خورد و اساساً یکی از عوامل پیروزی نیروهای ما در هشت سال دفاع مقدس به حساب می‌آید. به عنوان مثال فرماندهی سردار شهید ناصر کاظمی در کردستان زبانزد همه بود. زمانی که فرماندار پاوه شد تمام تلاشش را برای بهبود اوضاع منطقه انجام داد به طوری که شهید رجائی در زمانی که نخست وزیر بودند به منظور بررسی مسائل منطقه بدون اطلاع قبلی به آنجا می‌روند و سراغ فرماندار را می‌گیرند، و به او می‌گویند ایشان در عملیات در کوهستان می‌باشد و بایستی بابی سیم با ایشان تماس بگیرند تا بیایند. شهید رجائی منتظر می‌ماند تا ایشان از منطقه عملیاتی با لباس گُردی و لب‌های خشک شده که دو روز تمام در کوه‌ها بود می‌آیند و آقای رجائی ایشان را در آغوش گرفته و می‌گویند، افتخار ما این است که مسئولین ما در صف مقدم همیشه حضور دارند.

سلسله مراتب ولایی برای ناصر به این ترتیب بود: ائمه اطهار، امام خمینی، محمد بروجردی. شهید بروجردی برای ناصر، حلقه اتصال به امام بود و دیوانه‌وار او را دوست می‌داشت. همسر شهید می‌گوید: «وقتی شهید بروجردی

به خانه تلفن میزد، ناصر برای صحبت با ایشان، اگر نشسته بود، تمام قد میایستاد و همیشه در خانه ذکر عرفان و ایمان ایشان بود.»

علاقه بروجردی هم به ناصر استثنایی بود. هشت ماه فاصله بین شهادت کاظمی و بروجردی وجود داشت. در این مدت کسی به یاد ندارد بروجردی درست و حسابی خندیده باشد و یا حال و هوای کاظمی زود به زود به سرش نزنند. چند بار کاظمی را به خواب دیده بود و دفعه آخر هم چند روز قبل از شهادتش در عالم رویا ناصر دستش را گرفته و از یک دره سیاه و تاریک بالا کشیده بود و بروجردی این را نشانه شهادت خود می دانست که همین طور هم شد. درباره علاقه کاظمی به حضرت اما هم تنها به ذکر یک خاطره از همسرش اکتفا می کنم:

یک بار وقتی آمد به خانه، از خوشحالی روی پابند نبود. بالا و پایین میپرسید و مثل بچه ها ورجه و ورجه میکرد. وقتی دلیل حال و روز غیر عادیش را پرسیدم، گفت: «امروز با امام جلسه داشتیم. من دیر به جماران رسیدیم و میان جلسه رفتیم تو. فکر کردم همه اول کار دستبوس امام علیه السلام رفتن و زودی جلو رفتیم و دست امام رو بوسیدم تا از قافله عقب نمونم، نگو دستبوسی به آخر جلسه افتاده. آخر جلسه هم که همه رفتند دستبوس امام، منم یک بار دیگه دست ایشان رو بوسیدم. مبینی خانم! مبینی خدا چقدر منو دوست داره که کاری کرد تا دیر به جلسه برسم و دو بار دست امام رو ببوسم»^۱

اما آنچه از ویژگی های سردار سلیمانی کمتر به آن پرداخته شده مسأله ولایتمداری ایشان است. در این رابطه همین بس که وقتی مقام معظم رهبری مدال شجاعت را به وی اهدا می کند، با حجب و حیای فراوان، چشم در چشم فرمانده خود نمی دوزد و وقتی در مراسمی به همراه فرماندهان نظامی به حضور رهبری می رسد، علاوه بر احترام نظامی، دست به سینه می گذارد و در مقابل فرمانده کل قوا حاضر می شود که این امر یعنی تمام وجود خود را

۱. خبرگزاری فارس، تاریخ ۱۳۸۹/۶/۶

در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم فرمانده خود می‌کند.

حاج قاسم سلیمانی در مراسم سالگرد شهادت شهید حسن اسدی درباره مقام معظم رهبری گفت: «قوم ایران اسلامی و بقای آن به رهبریت آن است. مردم از من قبول کنید من عضو هیچ حزب و جناحی نیستم و به هیچ طرفی جز کسی که خدمت می‌کند به اسلام و انقلاب تمایل ندارم. اما این را بدانید والله علمای شیعه را تماماً و از نزدیک می‌شناسم. الان ۱۴ سال شغل من همین است. علمای لبنان را می‌شناسم. علمای پاکستان را می‌شناسم. علمای حوزه خلیج فارس را می‌شناسم. چه شیعه و چه سنی والله، اُشْهَدُ بالله، سرآمد همه این روحانیت، این علما از مراجع ایران و مراجع غیر ایران، این مرد بزرگ تاریخ یعنی آیت الله العظمی خامنه‌ای است»^۱

اجازه بدید بعد از بیان خاطراتی از این دو شهید ولایت مدار یک داستان فوق‌العاده دیگر هم نقل کنم و بهتر به جایگاه ولایت‌مداری پی ببرید.

بعد از وفات عبدالله بن ابی یعفور، که از اصحاب امام صادق (ع) بود، حضرت (ع) به مفضل بن عمر جعفری در کوفه نامه‌ای نوشت و ضمن تجلیل از شخصیت والای عبدالله، مفضل را به جانشینی وی برگزید و فرمود:

«ای مفضل! همان عهد و قراری را که با عبدالله داشتم، الان به تو واگذار می‌کنم. او در حالی ازدنیارفت که به تعهد خود در قبال خداوند و رسول گرامی اش و به امام زمان خویش وفا کرده بود. درود خدا بر او باد! عبدالله در حالی قبض روح شد که آثاری پسندیده از خود به یادگار گذاشت. تلاش هایش مورد توجه خداوند قرار گرفت و گناهانش بخشوده شد. اوبه جهان باقی شتافت. توشه وی رضایت خداوند و رسول (ص) و امام زمانش بود. سوگند به رابطه‌ام با رسول الله (ص)! در عصر ما کسی خاضع‌تر و فرمانبرتر از او نسبت به دستورات خداوند و پیامبر و امامش نبود. او در طول زندگی این گونه بود، تا این که خداوند او را قبض روح کرد و در بهشت جاویدان با رسول گرامی (ص) و علی (ع) هم‌نشین کرد. آری، خداوند او را بین دو مسکن (جایگاه پیامبر (ص) و علی (ع)) جای داد، گرچه

۱. خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان

مسکن ها و درجات آن هایکی است. خداوند بر رضایت خود از او بیفزاید و از فضل و کرمش او را ببخشد که من از او راضی هستم^۱.

بله دوستان من، این جایگاه عبدالله بن ابی یعفور فقط به خاطر تبعیت او از خدا و پیامبر ﷺ و امام صادق علیه السلام که امام زمانش بود می باشد این یعنی تعریف جایگاه ولایت مداران.

دوستان من بیایید با هم عهد ببندیم فرزندانمان را از این توفیق الهی محروم نکنیم. ما پدر و مادرها در تربیت ولایی نمودن فرزندانمان کوتاهی کنیم به جرات می گم که در گمراهی فرزند خودمان شریک هستید، چون فرزند خودمان را سیر داده ایم تا در مسیر ولایت شیطان قرار بگیرد.

زیرا خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
أُولَئِكَ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ
النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^۲

علامه طباطبایی رحمه الله ذیل این ایه در تفسیر المیزان می فرماید:

يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ يُخْرِجُوهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ اشاره به این است که حق همیشه یکی است، و در آن اختلاف نیست، هم چنان که باطل متشت و مختلف است و هیچ وقت وحدت ندارد.^۳

مادر و پدرهای عزیز با صدای بلند به شما می گویم: اگر فرزندانمان را ولایت مدار در مسیر خدا و اهل بیت علیهم السلام تربیت نکنید، فرزندان شما تحت ولایت شیطان قرار خواهند گرفت.

خداوند متعال کفر به طاغوت و ایمان به خدا را زمینه تمسک به عروه الوثقی بر شمرده است یعنی مقدمه پذیرش ولایت الله کفر به طاغوت می باشد و اگر بچه ای تربیت ولایی نشود قطعاً نمی تواند در این زمینه موفق باشد.

۱. رجال کشی، ص ۲۴۹

۲. سوره بقره، آیه ۲۵۷

۳. ترجمه المیزان، ج ۲، ص: ۵۳۱

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ

کسی که به طاغوت (بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر) کافر شود و به خدا ایمان آورد

● رفتارسازی پیام

اما شاید سوال شود که چگونه میتوانیم فرزندانمان را تربیت ولایی نماییم؟ یکی از راهکارهای تربیت ولایی در خانواده این است که همواره فضای خانه و خانواده فضایی باشد که در آن ولایت پذیری تمرین می شود، اصلی ترین فلسفه وجودی خانواده تربیت ولایت مداری است اردوگاه تربیت ولایت مداران بیش از مسجد، مدرسه و هر جای دیگر، «خانواده» است. همان طور که پادگان، اردوگاهی برای تربیت سربازان است تا قبل از حضور در میدان نبرد، در آن محل، تمرین کنند و مشق جنگ بیاموزند، خانواده هم محلی برای تربیت ولایت مداری است. تمام مناسبات و روابطی که در خانواده تعبیه شده است، هرکدام به نوعی، کارکردشان این است که انسان های ولایت مدار تربیت شوند. البته در خانواده، سایر ابعاد وجود انسان نیز تربیت می شوند ولی کارکرد اصلی خانواده برای تربیت ولایت مداری انسان است. نکته مهم در تربیت ولایی بچه ها این است که خانواده های دارای چندین فرزند خیلی بهتر از خانواده های تک فرزند می توانند ولایتمداری را در خانواده آموزش داده و تمرین کنند زیرا اگر فرزند اول با این روحیه تربیت شد بقیه بچه ها هم از او یاد می گیرند و یا اینکه خود احترام به برادر و خواهر بزرگتر و اطاعت از آنها در مواردی که پدر و مادر معین می کنند تمرین خیلی خوبی برای از بین بردن منیتها و انانیتها و تربیت ولایتمدار بچه ها خواهد بود. اما جالبه که توجه کنیم به کلام خداوند در قرآن کریم، که چهار مرتبه بلافاصله بعد از توصیه به توحید، سفارش به احسان نسبت به پدر و مادر می کند.

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۶

«وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۱

اُمّه هدی (علیه السلام) می فرمایند که عبارت «وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» اشاره به ولایت دارد. بسیاری از امور در قرآن به صورت اشاره ای بیان شده است. اینکه در قرآن بعد از توحید به نیکی نسبت به والدین توصیه می کند، در واقع به ولایت مداری توصیه می کند. اینکه در آیات و روایات این قدر به خانواده اهمیت داده شده است، برای این است که خانواده پایگاه تربیت ولایت مداری است و اگر ولایت در جهان مستقر شود همه امور سامان خواهد یافت.

پذیرش ولایت پدر و مادر در خانواده، تمرین ولایت مداری است.

از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در مورد حق پدر و مادر بر فرزند پرسیدند، ایشان فرمودند: «پدر و مادر تو، بهشت و جهنم تو هستند.» (لَمَّا سُئِلَ عَنْ حَقِّ الْوَالِدَيْنِ عَلَى وَلَدِهِمَا: هُمَا جَنَّتُكَ وَنَارُكَ)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند: «إِبرُ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ: نیکی به پدر و مادر بزرگ ترین فریضه است»^۲

و امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «الذُّنُوبُ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ عَقُوقُ الْوَالِدَيْنِ: از جمله گناهانی که فضا را تیره و تاریک می سازد نافرمانی پدر و مادر است.»^۳

معلوم است که بی احترامی به پدر و مادر و عاق والدین، آسمان را تیره و تاریک می کند، چون با این کار در واقع ریشه ولایت مداری از بین می رود.

چرا مسئله عاق والدین این قدر در دین ما جدی گرفته شده است؟ چون بنا بر این است که ما ولایت پدر و مادر را بپذیریم و در محیط خانواده ولایت مداری را تمرین کنیم تا ولایت امام زمان خود را به نحو احسن بپذیریم. اگر فرزندان ما در خانواده، ولایت پدر و مادر خود را نپذیرند، چطور می توانند ولایت مدار شوند و ولایت امام زمان را قبول کنند؟ بچه ای که در مقابل پدر و مادرش رعایت ادب را نکند، آیا در مقابل امام زمانش مؤدب خواهد بود؟

۱. سور: بقره/۸۳-نساء/۳۶-انعام/۱۵۱-اسراء/۲۳

۲. غررالحکم/۳۱۲

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۷

البته ممکن است استثناءهایی نیز وجود داشته باشد، ولی تقریباً در همه موارد این قاعده صدق می‌کند. از دیگر راهکارهایی که برای تربیت ولایی در خانواده لازم می‌باشد این است که از همان دوران کودکی ریشه ولایت و ولایت مداری با توجه به سن و سال فرزندان برای آنها تبیین گردد و بیان شود که ولایت اهل بیت علیهم‌السلام ریشه در خالقیّت و مالکیّت و ولایت خدا بر عالم دارد که دوباره باید عرض کنم، این مطالب باید با توجه به سن و سال فرزندان در قالب قصه شب و داستان برای آنها ارائه گردد.

● پرورش احساس موضوع

اما زمانی این راهکارها مثمر ثمر می‌شود که وجود نازنین قمر بنی هاشم علیها‌السلام به عنوان اسوه ولایت مداری به بچه هامون معرفی کنیم بهشون بگیم ببینید در کربلا حضرت عباس بعد از انتظار طولانی وقتی اذن مبارزه در میدان خواست و امام حسین علیه‌السلام فرمود برو آب بیار برای بچه هام چون و چرا نکرد و اطاعت کرد و همه جا مطیع محض اوامر امام بود تو هم به ایشان اقتدا کن و همیشه در مسیر ولایت مداری از این بزرگوار الگوگیری کن مثل وجود نازنین شهدای هشت سال دفاع مقدس مخصوصاً شهید بزرگوار حسین خرازی که می‌توان گفت در ولایت مداری از شهدایی بود که رتبه اول این موضوع را داشتند.

در خاطره‌ای از ایشان نقل شده است که: حاج حسین خرازی می‌خواست برود فاو. ماشین رو برداشت و رفت... ساعتی بعد دیدم داره پیاده برمی‌گرده. گفتم: چی شد؟ چرا نرفتی؟ ماشینت کو؟

حاجی گفت: داشتم رانندگی می‌کردم که اطلاعیه‌ای از رادیو پخش شد؛ مثل اینکه مراجع تقلید (از جمله امام خمینی) فرمودند، رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی حرام است، منم به دستم قطع شده و رانندگی کردنم با یک دست خلاف قانون است، تا این حکم رو از رادیو شنیدم، ماشین رو زدم کنار جاده؛ برگشتم تا به راننده پیدا کنم منو بیره فاو!

۱. سالنامه سرداران عشق ۱۳۸۸

این اوج ولایتمداری شهدای ما است که برگرفته از فرهنگ تبعیت حضرت عباس علیه السلام از امام زمانش می باشد.

این یعنی استفاده حداکثری از وجود نازنین قمر بنی هاشم علیه السلام برای رسیدن به سعادت که همان ولایت مداری اهل بیت علیهم السلام می باشد، ولی گاهی اوقات ما از اسوه های خودمان استفاده حداقلی می کنیم و این کار جز خسران و پشیمانی چیزی همراه خود ندارد.

● رفتارسازی موضوع

از مهمترین راهکارهایی که به شما برای استفاده حداکثری از وجود نازنین قمر بنی هاشم علیه السلام توصیه می کنم، این است که سطح مطالعه خود را نسبت به وجود نازنین این بزرگوار بالا ببرید، در مورد شناخت قمر بنی هاشم علیه السلام بسنده به چند مطلب ذوقی در فضایی مجازی و... نکنید، کتاب هایی که در مورد ایشان تالیف شده است را بگیرید و مطالعه کنید و به دیگران هدیه بدهید تا چنین الگوی بزرگی که خدا نسیب هر کسی نمی کند بیشتر و بیشتر برای مردم نمایان گردد. از جمله کتاب هایی که توصیه می کنم حتما مطالعه کنید کتاب ” حضرت ابا الفضل علیه السلام چهره درخشان کربلا“ است یا کتابهای کودکانه درباره آن حضرت مانند قصه های کربلا، قصه بهترین عموی دنیا، که برای بچه ها قابل استفاده است مطالعه چنین کتاب هایی می تونه در زمینه شناخت مولود امشب ما را بسیار کمک کند.

و در پایان، کلیدی ترین راهکار در تربیت ولایی فرزندان و پیروزی در بزنگاه های ولایت مداری را باید خدمت شما عرض کنم و آن چیزی نیست جز توسل به وجود نازنین قمر بنی هاشم علیه السلام در همه زمینه ها مخصوصا توسل به ایشان برای اینکه در تربیت ولایی فرزندانمان موفق باشیم.

خدایا به حق مولود امشب ما را در تربیت نسل ولایی موفق بدار.
آمین یا رب العالمین.

جلسہ

موضوع

امام سجاد گوی برجستہ حق کرانی

پیام

نفا کیسی در تہ فی زندہ تربیت حق کرا

خطبہ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَالصَّلٰوةُ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَبِسُرِّ اَمْرِیْ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ
یَقْتَضِیْ اَنْ یُقْبَلَ اَمْرُیْ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ
یَقْبَلُ اَمْرُیْ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ
یَقْبَلُ اَمْرُیْ

۱۔ سورہ طہ آیہ ۲۸ تا ۲۵
۲۔ سورہ غافر آیہ ۴۳

• انگیزه‌سازی موضوع

جلسه رو با یک روایت از وجود نازنین امام صادق علیه السلام شروع میکنم، حضرت صادق علیه السلام فرمودند: در یکی از روزها، شخصی از مسلمان‌ها به محضر مبارک امام سجاد علیه السلام، حضرت زین العابدین علیه السلام وارد شد و پس از عرض سلام، به حضرت علیه السلام عرضه داشت: ای پسر رسول خدا! در فلان مجلس با جمعی از دوستان نشسته بودیم، که شنیدیم شخصی نسبت به شما ناسزا می‌گفت و توهین می‌کرد و در بین صحبت‌های ناپسندش گفت: علی بن الحسین علیه السلام گمراه و بدعت‌گذار است. امام زین العابدین علیه السلام، پس از شنیدن سخنان آن شخص، فرمود: تو حق مجلس و همچنین حق کسانی را که با تو هم صحبت بودند، رعایت نکردی، چون سخنانی که در آن مجلس مطرح شده بود، امانت بود، چرا سخنان گوینده را از آن مجلس به بیرون منتقل کردی و اسرار او را فاش نمودی؟! و تو حق مرا هم رعایت نکردی، چون چیزی که من از دیگران نسبت به خود نمی‌دانستم، فاش کردی و مرا در جریان آن قرار دادی. و سپس آن حضرت علیه السلام افزود: آیا نمی‌دانی که چنگال مرگ همه انسان‌ها و نیز ما را می‌رباید؟ و بعد از آن، همه ما زنده خواهیم گشت و در روز قیامت محشور خواهیم شد؛ و باید در معادگاه و دادگاه عدل الهی پاسخ‌گوی اعمال و گفتار خویش باشیم، دادگاهی که خداوند متعال قاضی و حاکم آن خواهد بود.

و آن گاه امام علیه السلام در ادامه فرمایشات و نصیحت های خود اظهار نمود: پس سعی کن همیشه از سخن چینی و غیبت پشت سر دیگران اجتناب و دوری کنی؛ وگرنه همنشین سگان آتشین خواهی شد.^۱

● اقناع اندیشه موضوع

شب ولادت حضرت زین العابدین علیه السلام است، شب ولادت آن اقایی است که می شود گفت حتی محبین او برای شناخت او کم کار کرده اند.

خیلی وقت ها زمانی که اسم مبارک امام سجاد علیه السلام می آید، ویژگی ای که از ایشان به به ذهن ما متبادر می شود دعا و مناجات است و اینکه ایشان صاحب کتاب صحیفه سجادیه است و در این کتاب با عظمت دعاها و نیایش های حضرت به صورت مفصل و دسته بندی شده آمده است، و اگر هم بخواهیم حضرت علیه السلام را معرفی کنیم، بیشتر به روحیه گوشه نشینی و دعا و گریه و مناجات حضرت اشاره می کنیم و کمتر کسی است که چیز بیشتری از آن حضرت بداند.

مثالین شما عزیزان کسی هست که آن حضرت را به عنوان استاد واسوه بزرگ حق شناسی و حق مداری بشناسد، بله همین الان که من گفتم حق شناسی حضرت، خیلی از شماها تعجب کردید، اما باید خدمت شما عرض کنم که از وجود نازنین امام سجاد علیه السلام کتابی داریم به نام رساله حقوق، که بسیار زیبا و ارزشمند که در آن به همه حقوقی که ما بر دیگران و دیگران بر ما دارند پرداخته شده است.

کتاب رساله حقوق امام سجاد علیه السلام را بزرگانی از علمای شیعه شرح داده اند که یکی از بهترین شروح، شرح ایت الله یثربی بر رساله حقوق است، در این کتاب، پنجاه حقی موجود در حدیث رساله الحقوق را در هفت دسته به شرح زیر تقسیم کرده اند:

۱. حق خداوند

۱. احتجاج طبرسی: ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۱۸۳.

۲. حقوق اعضای بدن: زبان، گوش، چشم، دست، پا، شکم، عورت.
 ۳. حقوق افعال: نماز، حج، روزه، صدقه، قربانی.
 ۴. حقوق پیشوایان: حاکم، معلم، ارباب (حق ارباب بر برده).
 ۵. حقوق رعیت: مردم (حق مردم بر حاکمان)، شاگرد، همسر، برده (حق برده بر ارباب).
 ۶. حقوق خویشاوندان نسبی: مادر، پدر، فرزند، برادر.
 ۷. حقوق دیگران: کسی که تو را از بردگی آزاد کرده است، برده‌ای که تو آزاد کرده‌ای، نیکی‌کننده، مؤذن، امام جماعت، همنشین، همسایه، دوست، شریک، مال، بدهکار، معاشر، مدعی، مدعا علیه، مشورت‌کننده با تو، مشورت‌گیرنده از تو، نصیحت‌خواه، نصیحت‌گو، بزرگتر، کوچک‌تر، کسی که از تو درخواستی دارد، کسی که از او درخواستی داری، بدکننده به تو شادکننده تو، هم‌دینان، اهل ذمه.^۱
- اینکه سخنرانی امشب را با آن حدیث شروع کردم به خاطر این بود که ببینید امام سجاد علیه السلام در تربیت یارانشون هم از تذکر حقوق به آنها استفاده می‌کردند و میشود سبک تربیتی ایشان را تربیت حق‌گرا معرفی کرد و بعد از دواصل تربیتی ولایت‌مداری و تکلیف محوری که در دوشب گذشته برای تربیت فرزند به شما عزیزان معرفی کردم امشب می‌خواهیم از اسوه بزرگ حق‌گرایی، اصل حق‌گرایی در تربیت رابه شما معرفی کنیم. تا دیگر به جهت تربیت دغدغه فرزندان زیاد داشتن رونداشته باشید و با این ۳ اصل کلیدی تربیت فرزندان عاشورایی تربیت کنید ان شاء الله. دوستان من؛ چیزی که در کتاب ارزشمند رساله حقوق امام سجاد علیه السلام به چشم ما می‌خورد این است که عالم بر مبنای حق بنا شده است و شناخت این حقوق برای رسیدن به سعادت جایگاه بسیار ارزشمندی دارد.
- امیرالمومنین علیه السلام در این زمینه فرمودند: در همراهی حق، خوش بختی به وجود می‌آید.^۲

۱. حسینی جلالی، جهاد امام سجاد، ۱۳۸۲ش، ص ۳۰۵-۳۰۷.

۲. غررالحکم و دررالکلم، ج ۷، ص ۱۶۸.

یکی از مسائلی که همواره در زندگی انسان مطرح بوده، حق و حقیقت است. همه گروه‌ها و افراد به منظور دفاع از ادعاها و عملکردهایشان به مفهوم حق و عدل متوسل می‌شوند. این مقوله ارزشمند بر همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان، سایه افکنده است. هر کس خود را بر حق می‌داند و برای موجه جلوه دادن خود، موضع خویش را حق و موضع طرف مقابل را باطل معرفی می‌کند. حتی شریک‌ترین افراد نیز، در ناشایست‌ترین اعمال، خود را صاحب حق می‌دانند، زیرا بر این باورند که انسان به حکم فطرت، حق‌گرا و باطل‌ستیز است. پس ناگزیر لازم است در حد توان، از حیث نظری، تصویری روشن و شفاف از حق و باطل در ذهن داشته باشیم تا در ارزیابی کار خود و دیگران، دچار اشتباه نشویم. ضرورت دارد حق و ویژگی‌های آن را باز شناسیم تا سره را از ناسره جدا کنیم.

قبل ورود به هر بحثی ابتدا باید حق را معنا کنیم تا متوجه شویم اصلاً این حقی که ما قرار است امشب در مورد آن با هم صحبت کنیم به چه معناست. برای حق، معانی مختلفی ذکر شده است. راغب اصفهانی می‌گوید: اصل حق به معنای مطابقت و موافقت است.^۱ نویسنده تاج العروس می‌گوید: حق یعنی ضد باطل، صدق، وجود ثابت.^۲

صاحب قاموس قرآن می‌گوید: باطل آن است که در قضاوت عمومی، مضمحل می‌شود و بشر در عین ابتلا به باطل، به ضرر و ناحق بودن آن حکم می‌کند.^۳ از مجموع سخنان فرهنگ نویسان برمی‌آید: هر چیزی که به گونه‌ای با واقعیت توأم باشد حق است.^۴ استاد مطهری نیز حق را اینگونه تعریف کرده است: حق به معنای واقعیت داشتن و باطل به معنای واقعیت نداشتن است.^۵

۱. المفردات لالفاظ القرآن، ص ۱۲۹.

۲. تاج العروس، ج ۱، ص ۴۳۲.

۳. همان، ص ۲۳۰.

۴. جعفر سبحانی، منشور جاوید، ج ۳، ص ۶۲.

۵. الهیات شفا، ج ۲، ص ۲۹۳.

در اندیشه دینی، برپایی حق در میان مردم، اهمیت خاصی دارد تا جایی که لفظ حق با مشتقاتش ۲۸۷ بار و لفظ باطل ۳۵ بار در قرآن آمده است. خداوند در آیه‌ای به پیامبر گرامی خود می‌فرماید:

«إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ...»^۱

قرآن را به حق برتو فرستادیم تا میان مردم به آن چه خدا تورا بنمود، حکم کنی یعنی هدف از فرستادن کتاب آسمانی، اجرای حق و عدل در بین مردم است.

اگر حق و عدل از دین و دین داری گرفته شود روح و جان آن گرفته شده است و آنقدر مهم است که آن حضرت دلیل پذیرش خلافت را برپایی حق می‌داند. از این رو به ابن عباس می‌فرماید: به خدا سوگند، این کفش نزد من محبوب تر است از حکومت بر شما مگر آن که به وسیله آن حق را برپا کنم یا باطلی را دفع نمایم.^۲ در اهمیت حق جویی همین بس که سالار شهیدان، برای تحقق آن با شعار «الأترون أن الحق لا يعمل به وإن الباطل لا يتناهى عنه»^۳ پا به میدان کارزار نهاد و جانش را در این راه فدا نمود. این جایگاه و ارزش حق بود که به گوشه‌ای از آن اشاره کردیم، در حالی که اگر میخواستیم فقط در موضوع حق صحبت کنیم باید جلسات متعدد به این موضوع می‌پرداختیم، اما بحث امشب ما تربیت فرزندان بر مبنای حق محوری است نه بحث مستقل و تخصصی راجع به معنا و اهمیت حق در دین و دینداری.

• انگیزه‌سازی پیام

همان طور که در جلسات قبل اشاره کردیم یکی از دلایل افراد برای فرزند کمتر داشتن، دغدغه تربیت خوب فرزندان هست، در حالی که محبین اهل بیت (علیهم‌السلام) با داشتن کتب تربیتی بسیار ارزشمند مانند رساله حقوق و اسوه‌های تربیتی

۱. سوره نساء، آیه ۱۰۵

۲. همان، خطبه ۳۳.

۳. بحار الانوار، ج ۴۴ ص ۳۸۱.

همچون امام سجاد علیه السلام کافیت قدر داشته‌های خود را بدانند و از آن‌ها در تربیت فرزندانشان استفاده کنند، زیرا در صورت غفلت از این گوه‌های ناب تربیتی، اگر یک فرزند داشته باشند نیز در مسیر حق قرار نخواهد گرفت و سرمایه زندگیشان از بین خواهد رفت و اگر از این گوه‌های ناب تربیتی استفاده کنند اگر چندین فرزند هم داشته باشند می‌توانند زینت اهل بیت علیهم السلام تربیتشان نمایند و نور چشمان خودشان نیز خواهند بود، و این نکته هم از نظر تجربی برای همه ثابت شده است که در خانواده‌های خوش جمعیت تربیت فرزندان آسان‌تر و کاربردی‌تر می‌باشد مثلاً برخی از خانواده‌هایی که فرزندان آنها در دوران هشت سال دفاع مقدس به شهادت رسیدند و فرزندان با تربیت تحویل جامعه دادند از نظر جمعیتی جزو خانواده‌های خوش جمعیت بودند.

دوستان من، اجازه بدید یک نکته‌ای را اینجا بحث خدمت شما عرض کنم: تربیت حق‌گرایی که موضوع امشب ما هم هست در خانواده‌های دارای چند فرزند خیلی بهتر قابل اجراست زیرا بچه‌ها در تعامل با یکدیگر در معرض موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که تسلیم حق شدن را می‌توانند به خوبی تمرین کنند، به عنوان مثال وقتی خواهر و برادرها در موضوعی دچار اختلاف و دعوا می‌شوند و به پدر یا مادر مراجعه می‌کنند و از آن‌ها می‌خواهند تا بینشان قضاوت کنند بهترین فرصت است که پدر و مادر آن‌ها را با معنا و مفهوم و اهمیت حق‌گرایی آشنا کنند، طبیعی هست که ابتدا پذیرش حق ولو به ضرر انسان باشد سخت است و نیاز به تمرین دارد تا برای انسان تبدیل به یک ملکه اخلاقی شود و فضای خانواده‌های دارای چند فرزند به شدت برای این موضوع مناسب است و شاید بتوان گفت روزانه موضوعاتی پیش می‌آید که فرصت تمرین حق‌گرایی را در اختیار والدین قرار می‌دهد.

● اقناع اندیشه پیام

خوب با این همه محاسنی که برای شناخت حق و تربیت حق‌گرایانه فرزندان بیان کردیم یک سوال خیلی مهم پیش می‌آید، و آن هم این است که:

چرا ما در تربیت حق گرایانه فرزندانمان کوتاهی می‌کنیم؟ و در مسیر تربیت فرزندان خود کمتر توجه به این نکته داریم که باید فرزندان ما حق گرا تربیت شوند؟

در جواب باید بگوییم: چون سعادت دنیا و آخرت آنها را در گرو حق طلبی آنها نمی‌بینیم و متأسفانه گاهی برخی پدر و مادرها فکر می‌کنند اگر بخواد فرزندشون در آینده اصطلاحاً «گلیمش رو از آب بیرون بکشه» باید به او بیاموزند که نخوری می‌خورند!، زنی می‌زند! و زرنک باش تا از بقیه عقب نمونی! به بچه‌ها نقطه مقابل حق‌گرایی یعنی خود محوری رو آموزش می‌دهند و بچه‌ای که اینگونه تربیت شود دچار مشکلات فردی و اجتماعی متعددی خواهد شد، متأسفانه باید گفت: این مدل فرزندان در دنیا کلاه بردار، مال مردم خور بار می‌آیند و در آخرت بار سنگین حق الناس را به دوش می‌کشند. گاهی اوقات، وقتی که می‌گوییم فرزندان خود را حق‌گرا تربیت کنید، پدرها و مادرها فکر می‌کنند که قرار است موشک به هوا بفرستند و احساس می‌کنند که کار خیلی سختی قرار است انجام دهند، و گاهی اوقات اصلاً از ترس تربیت صحیح فرزندان، از فرزند آوری می‌ترسند در حالی که تربیت صحیح فرزندان اصلاً کار سختی نیست.

دوستان من اگر فرزندان ما، که در تربیت صحیح تعداد آنها اصلاً مهم نیست، از ما پدرها و مادرها تبعیت از حق را ببینند قطعاً حق‌گرا تربیت خواهند شد، اجازه بدهید یک داستان از مولود امشب برای شما تعریف کنم که در آن حق‌گرایی و تبعیت از حق به عالم و آدم درس داده شده است.

آفتابه‌های قدیم گلی یا مسی و سنگین بود. امام چهارم علیه السلام آستین‌های لباس خود را بالا زدند تا وضو بگیرند. به خادم خود اشاره کردند که آفتابه آب را بیاور. دست خود را دراز کردند که اول دست را بشویند و بعد وضو بگیرند. این خادم در چه فکری بود که توجهی نکرد، انگشت‌هایش سست شد و آفتابه از دستش رها شد و با آن سنگینی به سرعت آمد و به پیشانی امام علیه السلام خورد و پیشانی حضرت را شکافت و خون جاری شد.

امام زین العابدین (علیه السلام) به جای این که با خشم و تندی نگاه کنند، یا حرف بدی به او بزنند، یا تحقیرش کنند و یا حتی او را بزنند، همین طور که خون از پیشانی مبارکش می ریخت، آرام نگاهی کردند که در این نگاه خواننده می شد که چرا ناراحتی؟ من که چیزی نگفتم.

غلام وقتی نگاه امام را دید، عرض کرد:

«وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ»^۱ و خشم خود را فرو می برند

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: من عصبانی نشدم.

غلام نگاهی به امام (علیه السلام) کرد و گفت:

«وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ»^۲ و از [خطاهای] مردم در می گذرند

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: من نیز از تو گذشتم و جریمه ای برای این کار

نمی خواهم قرار بدهم. غلام دوباره به نگاهی به امام سجاد (علیه السلام) کرد و گفت:

«وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۳ و خدا نیکوکاران را دوست دارد

حضرت زین العابدین (علیه السلام) به خادم دیگر فرمودند:

کیسه صد دیناری طلا و رو به او بده، شاید درد مالی داشته باشد. صد

دینار را دادند، بعد امام (علیه السلام) فرمودند: من تو را در راه خدا آزاد کردم، برو.^۴

این داستان تماشای تبلور تسلیم درباره حق بود، حضرت نگاه نمی کرد که چه

کسی دارد ایه قرآن می خواند بلکه می دیدند دارد کلام حق تعالی و حرف

حق می زند و ایشان تسلیم در برابر حق می شدند.

۱. سوره آل عمران آیه ۱۳۴

۲. سوره آل عمران آیه ۱۳۴

۳. سوره آل عمران آیه ۱۳۴

۴. بحار الأنوار: جلد ۴۶، صفحه ۶۷-۶۸، باب ۵، حدیث ۳۶، «عَبَدَ الرَّزَاقِي يَقُولُ جَعَلْتُ جَارِيَّةً لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) تَشْكُبُ الْمَاءَ عَلَيْهِ وَهُوَ يَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ فَسَقَطَ الْإِبْرِيُّ مِنْ يَدِ الْجَارِيَّةِ عَلَى وَجْهِهِ فَشَجَّهُ فَرَفَعَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) رَأْسَهُ إِلَيْهَا فَقَالَتْ الْجَارِيَّةُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ فَقَالَ لَهَا قَدْ كَظَمْتُ غَيْظِي قَالَتْ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ قَالَ لَهَا قَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ قَالَتْ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ قَالَ أَذْهَبِي فَأَنْتِ حُرَّةٌ»

این جا انسان یاد روایت ارزشمند وجود نازنین امیرالمومنین (علیه السلام) می افتد که فرمودند:

«خُذْ الْحِكْمَةَ حَيْثُ كَانَتْ وَانْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ»^۱

حکمت را هر جایی است فرا بگیر و نگاه کن به آنچه گفته می شود نه به گوینده سخن.

اگر در یک خانواده ای فرزندان ببینند که پدر و مادر تسلیم محض در برابر حرف حق هستند حتی زمانی که فرزندان آن ها آن حرف حق را می گویند طبیعتاً حق گرا تربیت خواهند شد. مثلاً اگر ببینند در دعوا و مناقشه ای که بین خواهرها و برادرها پیش آمده طرف حق را می گیرند نه نور چشمی، نه کوچک تر نه بزرگتر، طرف آنکه حق با اوست را می گیرد یا حتی جایی که اشتباهی از خودشان سر زده است و فرزندشون متذکر می شود می گویند حق با توست و می پذیرند، این درسهای عملی است که بچه ها را دارای روحیه تسلیم در برابر حق بار می آورد و این روحیه در هدایت و نجات و تقرب یک انسان به خدا بسیار حائز اهمیت است زیرا به طور معمول در زندگی روزمره با مسائلی مواجه می شویم که ضرورت دارد حق را برپا سازیم؛ مانند:

۱. شهادت به حق: یک فرد مسلمان باید در داوری های رسمی و خودمانی،

طرف دار حق و اهل حق باشد و اگر او را به گواهی دادن طلبیدند صادقانه

و به حق گواهی دهد، گرچه به زیانش باشد. قرآن مجید می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ

الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ»

ای کسانی که ایمان آورده اید قیام به عدالت کنید، برای خدا گواهی

دهید، گرچه به زیان خود شما یا پدر و مادر و نزدیکانتان باشد.^۲

امام صادق (علیه السلام) نیز بر این موضوع تأکید دارد و آن را از حقیقت ایمان شمرده است.^۳

۱. تیمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۵۸.

۲. سوره نساء، آیه ۱۳۵.

۳. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۰۷.

۲. قضاوت به حق: داوری میان مردم هم از مسائلی است که با آن مواجه می‌شویم. ممکن است کسانی گاه و بیگاه، ما را به داوری بخوانند مانند: داوری میان دو همسایه، دو همکار، دو فرزند، زن و شوهر و... که امری بس خطیر و مسئولیت‌آور است؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) از میان چهار گروه قضاوت کننده، فقط یک گروه را اهل نجات دانسته است؛ کسانی که آگاهانه به حق حکم کنند.^۱

۳. حق طلبی و حق دهی: بعضی حق را گرفتنی و بعضی آن را دادنی می‌دانند. مسیحیت بر این اساس درست شده که حق دادنی است؛ یعنی حقی را که ظالم گرفته است باید پس بدهد. اگر نداد کاری نمی‌توان کرد. برخی نیز که منکر عاطفه و انسانیت و وجدان انسانی هستند معتقدند حق فقط گرفتنی است. استاد مطهری پس از رد این دو نظریه می‌گوید: از نظر اسلام، حق هم گرفتنی است و هم دادنی؛ یعنی از دو جبهه باید برای استیفای حق، مبارزه کرد که مکتب اسلام بر همین اساس است. اسلام آن کسی را که حق را ربوده است با تعلیم و تربیت خودش، آماده پس دادن می‌کند ولی به این قناعت نمی‌کند. در عین حال به آن کسی که حقش ربوده شده است می‌گوید: حق گرفتنی است. تو هم باید برای حق خود قیام کنی و حقت را بگیری.^۲

۴. حق‌گویی: هر چند حق، سنگین و مشقت‌بار است اما ارزش حق‌گویی به قدری مهم است که سختی‌ها و مرارت‌های آن را جبران می‌کند. یکی از وصایای امام سجاد و امام حسین (علیه السلام) توصیه به حق‌گویی است.

«اصبر علی الحق وان کان مرّاً»

برای حق بردبار باش اگر چه تلخ و ناگوار باشد.^۳

۱. الکافی، ج ۷، ص ۴۰۷.

۲. انسان کامل، ص ۲۶۹.

۳. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۶۷.

قطعا اگر در خانواده ای پدر و مادر به تمام ساحات حق احترام بگذارند فرزندان حق گرایی تحویل جامعه می دهند که آن جامعه چقدر زیبا خواهد شد.

○ پرورش احساس پیام

حالا دوستان عزیز اگر ما توانستیم فرزندانی حق گرا تربیت کنیم قطعا یک آثاری را برای آن ها و حتی ما به عنوان پدر و مادر آن ها و حتی می توان گفت برای جامعه به همراه دارد، اگر اجازه بدید در این جلسه به تعدادی از این آثار اشاره ای کوتاه کنم.

✦ ۱- حفظ شدن از انحرافات و گمراهی ها:

یکی از آثار مهم حق گرایی در فرزندان ما این است که مسیر صحیح را به آن ها نشان می دهد و با توجه و یادگیری مسیر جدید دیگر نگرانی ای برای گمراهی فرزندان خودمان نداریم و این موضوع حتی در خانواده های خوش جمعیت راحت تر و آسان تر عملیاتی خواهد شد چون بچه ها به همدیگر حق گرایی را آموزش داده و به عنوان دوست صمیمی از گمراهی همدیگر جلوگیری می کنند.

✦ ۲- افتخار شیعه امیرالمومنین (علیه السلام) و داشتن:

رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) در یک روایت ارزشمندی می فرمایند:

«عَلَيْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ»^۱

اگر ما دوست داریم که از شیعیان امیرالمومنین (علیه السلام) باشیم و فرزندانی تربیت کنیم که افتخار شیعه امام علی (علیه السلام) بودن را داشته باشند باید همواره خودمان حق بوده و فرزندانمان را حق گرا و حق طلب تربیت کنیم، تا این ریسمان اتصال بین ما و امیرالمومنین (علیه السلام) پاره نشود.

۱. کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۹۴؛ خزاز قمی، کفایة الأثر، ۱۴۰۱ق، ص ۲۰؛ ابن حیون، شرح الأخبار، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۰؛ شیخ مفید، الفصول المختارة، ۱۴۱۳ق، ص ۹۷.

❖ ۳- یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف:

از روز اول خلقت، مبارزه حق و باطل با جنگ و مبارزه حضرت آدم و شیطان، آغاز شد و با مبارزه هابیل و قابیل، ابراهیم و نمرود، موسی و فرعون، علی و معاویه و حسین و یزید ادامه پیدا کرد. نقطه اوج و متعالی این مبارزه با قیام منجی موعود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می یابد و او رهبری گروه حق را به دست می گیرد و حق با تمام توان و شکوه به پیروزی می رسد. او حاصل تمامی مجاهدت ها و تلاش های پیامبران و ثمره مبارزات حق طلبانه است. قرآن مجید از این پیروزی نهایی، خبر داده است:

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوًّا»^۱

بگو حق فرا رسید و باطل نابود گشت که باطل نابود شدنی است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرموده اند: این سخن مربوط به قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است که دولت باطل برچیده خواهد شد.^۲ بی دلیل نیست که هنگام تولد آن حضرت، بر بازوی نازنینش این آیه نقش بسته بود.^۳

و قطعاً افرادی که حق گرا تربیت شده اند می توانند در این مسیر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری کنند.

اما اگر ما پدر و مادرها توجهی به حق طلبی و حق گرایی فرزندان خودمان نداشتیم قطعاً فرزندان تربیت می کنیم که رسیدن به سعادشان یا خیلی مشکل و بیشتر اوقات غیر ممکن است.

ما در تاریخ افراد و گروه های بسیار زیادی را دیدیم که حتی در ابتدا افراد خوب و به ظاهر اهل دین و خدا بودند اما فقط به دلیل اینکه تربیت حق گرایانه نشده بودند در بزرگه های تاریخی کم آوردند و شقاوت را برای خودشان خریدند. بلعم باعورا از علمای بنی اسرائیل بود، و کارش به قدری بالا گرفت که اسم اعظم می دانست و دعایش به استجاب می رسید.

۱. سوره اسراء آیه ۸۱

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۱۲.

۳. همان.

روایت شده: موسی علیه السلام با جمعیتی از بنی اسرائیل به فرماندهی یوشع بن نون و کالب بن یوفنا از بیابان «تیه» بیرون آمده و به سوی شهر (بیت المقدس و شام) حرکت کردند، تا آن را فتح کنند و از زیر یوغ حاکمان ستمگر عمالقه خارج سازند. وقتی که به نزدیک شهر رسیدند، حاکمان ظالم نزد بلعم باعورا رفته و گفتند از موقعیت خود استفاده کن و چون اسم اعظم الهی را می دانی، در مورد موسی و بنی اسرائیل نفرین کن. بلعم باعورا گفت: «من چگونه در مورد مؤمنانی که پیامبر خدا و فرشتگان، همراهشان هستند، نفرین کنم؟ چنین کاری نخواهم کرد.»

آن ها بار دیگر نزد بلعم باعورا آمدند و تقاضا کردند نفرین کند، او نپذیرفت، سرانجام همسر بلعم باعورا را واسطه قرار دادند، همسر او با نیرنگ و ترفند آن قدر شوهرش را وسوسه کرد، که سرانجام بلعم حاضر شد بالای کوهی که مشرف به بنی اسرائیل است برود و آن ها را نفرین کند. به بالای کوه رفت، و در آنجا همین که خواست اسم اعظم را به زبان بیاورد و بنی اسرائیل را نفرین کند اسم اعظم را فراموش کرد و زبانش وارونه می شد به طوری که قوم خود را نفرین می کرد و برای بنی اسرائیل دعا می نمود.^۱

این پیامد عدم تبعیت از حق است بلعم باعورایی که اسم اعظم الهی را می دانست کارش به جایی رسید که می خواست پیامبر خدا، حضرت موسی علیه السلام را نفرین کند.

دوستان من اگر فرزندان خود را با توجه به صفت حق گرایی تربیت نکردیم در بزرگه‌هایی که رذیله‌های اخلاقی سر به فلک می کشد فردی که تربیت حق گرایی ندارد دست به کارهایی می زند که جبران ناپذیر است.

● رفتارسازی پیام

اما اجازه بدید از راهکارهای مهمی که در تربیت حق گرایانه فرزندان به ما کمک می کند چند نمونه را برای شما بیان کنم:

۱. بحار، ج ۱۳، ص ۳۷۳ و ۳۷۴.

❖ آشنا کردن فرزندان با راه‌های تشخیص حق:

اولین کاری که باید در این مسیر تربیتی انجام بدهیم این است که راه‌های تشخیص حق را به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به فرزندان خود آموزش بدهیم، نمونه‌ای از این راه‌ها به شرح ذیل است:

❖ اندیشه و تعقل

امام علی علیه السلام می‌فرماید: عقل تو را کفایت می‌کند که راه گمراهی (باطل) را از هدایت (حق) نشانت دهد.^۱

کسی که به کمک عقل و خرد خود، ضرر یک ماده زهرآگین را دریافت، در حقیقت راهی برای تشخیص نادرستی خوردن آن پیدا کرده است. و هنگامی که خواص و لوازم مفید یک واقعیت را به وسیله حس و اندیشه شناخت، راه صحیحی برای رسیدن به حق را به دست آورده است، به همین دلیل ما باید با تکیه بر عقل و استدلال‌های عقلانی و طریقه استفاده صحیح از تفکر و تعقل مسیر پیدا نمودن حق و قرار گرفتن در آن مسیر را به فرزندان خود آموزش بدهیم.

❖ وجدان

یکی از ابزارهای شناخت و تشخیص آدمی، وجدان اوست. قرآن مجید به وجدان و نفس نوا مه در کنار روز قیامت پرداخته^۲ تا نشان دهد خداوند در نفس انسان نیز همان میزانی را که در قیامت دارد، خلق کرده است. استاد مطهری می‌گوید: [قرآن] می‌خواهد بگوید ما یک چنین هادی ملامت‌گری به بشر داده‌ایم که دقیقاً حقیقت را رسیدگی می‌کند، حقیقت را می‌فهمد.^۳

۱. نهج البلاغه، قصار ۴۲۱.

۲. سوره قیامت آیه ۲.

۳. مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۳۹۷.

✦ بصیرت

یکی از ابزارهای مهم شناخت حق و باطل، بصیرت و روشن بینی است که در سایه تقوا و خدا ترسی به دست می آید. قرآن مجید می فرماید: اگر تقوای الهی داشته باشید خداوند برای شما فرقان (وسیله سنجش حق از باطل) قرار می دهد؛^۱ یعنی در پرتو تقوا به روشن بینی می رسید که به راحتی حق را از باطل تشخیص می دهید. در آیه ای دیگر می فرماید: «واتقوا الله و یعلمکم الله؛ (۳۵)»^۲ با تقوا باشید تا خداوند علوم را بر شما افاضه کند.

چه بسا افراد بی سواد ی پیدا می شوند که باطل را در هر لباس و قیافه ای که باشد بسیار زود شناسایی می کنند و چه بسا دانشمندانی که از تشخیص صحیح، ناتوان اند. دلیلش آن است که یکی فرقان دارد و دیگری ندارد. از آیات و روایات استفاده می شود که اساس و عمده، بینایی چشم باطن و شنوایی گوش باطن است. و بعثت انبیا نیز در این راستا بوده است. خواجه نهروان، افرادی ظاهر الصلاح و مقدس بودند اما بصیرت و روشن بینی نداشتند، از این رو در تشخیص حق و باطل دچار اشتباه شدند و در برابر امام خود ایستادند.

تمام این امور اگر به صورت مستقیم و غیر مستقیم به بچه ها آموزش داده شود، بچه ها قطعاً حق گرا تربیت خواهند شد.

❶ پرورش احساس موضوع

تمام این راهکارها زمانی عملی می شود که ما یک الگو در این موضوع به عنوان سرمشق زندگی خود داشته باشیم که این الگو می تواند در تمام مسیر تربیت حق گرایانه ما سرعت کارها به طرز عجیبی بالا ببرد و چه الگویی بهتر از مولود امشب امام سجاد (علیه السلام).

عزیزان من، از صحیفه سجادیه و کتاب فوق العاده رساله حقوق

۱. سوره انفال، آیه ۲۹.

۲. سوره بقره آیه ۲۸۲.

امام سجاد علیه السلام نباید غافل باشیم که اگر غافل شدید ضرر کردیم، ولی اگر توجه به الگوهای ارزشمند خود داشتیم و دست از کتبی از اهل بیت علیهم السلام به یادگار رسیده است برداشتیم ان شاء الله مشمول این روایت ارزشمند از وجود نازنین امام سجاد علیه السلام می شویم که حضرت فرمودند:

عَنْ أَبِي حمزة الثمالي عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَلْبِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ تَمْتَدُّ الْعَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ الثَّانِي عَشْرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَالْأَيَّامَةُ بَعْدَهُ يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيَّبَتْهُ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُتَنْظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلَ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِالسَّيْفِ أَوْلَيْكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ انْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ أَكْثَرِ الْفَرَجِ^۱

ابی حمزه ثمالی از ابو خالد کابلی روایت می کند که امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: غیبت بوسیله دوازدهمین از جانشینان رسول خدا و امامان بعد از او ممتد می شود.

ای ابو خالد مردم زمان او که معتقد به امامت وی می باشند و منتظر ظهور او هستند، از مردم تمام زمانها بهترند، زیرا خداوند عقل و فهمی به آنها داده که غیبت در نزد آنها حکم مشاهده را دارد! خداوند آنها را در آن زمان مثل کسانی می داند که با شمشیر در پیش روی پیغمبر - علیه دشمنان دین - پیکار کرده اند، آنها مخلصان حقیقی و شیعیان راستگوی ما هستند که مردم را به طور آشکار و نهان بدین خدا می خوانند. و فرمود: انتظار فرج بزرگترین فرج است.

ولی اگر از توجه به الگوهای بزرگی که خدا توفیق دستیابی به آنها را به ما داده است غافل شدیم قطعاً خودمان را بی بهره نموده ایم از یک الگوی بزرگ تربیتی که می تواند خیلی از گره های زندگی ما را باز کند و زندگی دنیا و آخرت

۱. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۵۲ ص ۱۲۲

خودمون و فرزندانمون را آباد کند و در صورتی که اعتقاد به این جایگاه الگویی این امام عزیز نداشته باشیم از دعاها و درسهای آن امام بی بهره خواهیم بود. ابوحمزه می گوید: (یکی از فرزندانم در اثر حادثه ای مصدوم شد و استخوان های دستش شکست. او را نزد یحیی بن عبدالله مجبر (معروف ترین شکسته بند عصر) بردم. او بعد از معاینه دقیق، گفت: استخوان های دست این کودک به شدت آسیب دیده و شکستگی سختی برداشته است. باید صبر کنی تا وسائل معالجه را فراهم کنم. مدت معالجه طولانی خواهد بود). او به دنبال کار خود رفت و من همچنان با ناراحتی در اتاق منتظر بودم. در آن هنگام حال رقت بار طفل، که در اثر شدت درد به خود می پیچید، مرا دگرگون کرد و حالم منقلب شد. در همین موقع به یاد دعایی که از مولایم، امام سیدالسادین علیه السلام آموخته بودم، افتادم. بایک حالت معنوی، دست کودک را گرفتم و با تضرع آن دعا را خواندم و از خداوند متعال، بهبودی و شفای فرزندم را خواستار شدم. همان لحظه به اذن پروردگار متعال، فرزندم صحت و سلامتی خود را بازیافت و من شکر الهی را به جا آوردم.

یحیی مجبر همراه وسایل درمان بازگشت و دست کودک را گرفت تا علاج کند. با شگفتی گفت: این که سالم است! شاید دست دیگرش شکسته است. شکسته بند دست دیگر طفل را به دقت نگاه کرد و اثر شکستگی را در آن نیافت. مات و مبهوت گفت: «سبحان الله! چند لحظه قبل، من دست این بچه را دیدم، استخوان هایش به شدت شکسته بود؟! آری، از شما شیعیان چنین جادوهایی تعجب ندارد! ابوحمزه به او گفت: وای بر تو! این جادو و سحر نیست.»

شفای دست پسرم در اثر دعای جانبخشی است که امام عارفان، علی بن الحسین علیه السلام به من آموخته است.

ابوحمزه می گوید: یحیی از من درخواست کرد که آن دعا را به وی یاد بدهم. گفتم: (شگفت انگیزتر از این حادثه، اظهار این درخواست است. بعد از آن سوادب، کلمات خلاف مروت و کردار زشت؛ من نمی توانم اسرار خفیه و امانت های الهی را به تو بپردازم).

ابوحمزه می‌گوید: (روزی این حکایت را برای امام صادق علیه السلام نقل کردم. آن حضرت فرمود: ای ابوحمزه! دعای تو با رضایت خداوند موافق بود که در کمتر از یک لحظه، دعایت را مستجاب کرد)^۱

○ رفتارسازی موضوع

به قول یک بزرگی خیلی قشنگ می‌گفت که ارتباط با اهل بیت علیهم السلام فقط یک دل صاف و ساده می‌خواهد، دوستان عزیز، اگر اهل بیت علیهم السلام جایگاه الگویی خود را در زندگی ما پیدا کنند دیگر هیچ کدام از ما نیازمند الگوگیری از هیچ فرد دیگری نیستیم، دیگر هیچ کدام از ما احساس تهی بودن از مسائل تربیتی نداریم، دیگر هیچ کدام از ما نگران ازدیاد نسل خود به خاطر تربیت آن‌ها نیستیم چون به قول معروف ما وصل به آب کُر هستیم، ما وصل به منبع علم لایزال الهی به واسطه اهل بیت علیهم السلام هستیم، در همه زمینه‌های تربیتی حرف برای گفتن داریم.

اما چگونه می‌توانیم این اتصال به اهل بیت علیهم السلام را در زندگی خود بروز و ظهور بدهیم تا خانواده و فرزندان ما هم متوجه این الگوهای ارزشمند شوند و به صورت ناخودآگاه زندگی ما رنگ و بوی اهل بیت علیهم السلام را بگیرد.

یکی از راه‌هایی که این موضوع را در زندگی ما پررنگ می‌کند این است که از پتانسیل با برکت مولود این شب استفاده نموده و یک زمانی را در خانواده تعریف کنیم و همه افراد خانواده دور هم بنشینیم و رساله حقوقی امام سجاد علیه السلام را با هم بخوانیم و جاهایی که نیاز به توضیح دارد را به بچه‌ها توضیح بدهیم و در طول زندگی خانوادگی با همدیگر آن حقوقی که خوانده‌ایم را مرور کنیم و به همدیگر تذکر بدهیم تا این حقوق برای همه خانواده ملکه اخلاقی شود.

۱. مهج الدعوات، ص ۱۶۵، نامه دانشوران، ج ۱، ص ۴۷ معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۲۹۴. این دعا در حدود سه صفحه است و در کتاب مهج الدعوات سیدابن طاووس رحمه الله آمده است.

برای بار چندم به شما عزیزان یادآوری می‌کنم که تربیت فرزندان با روش‌هایی که در این چند روز با هم صحبت کردیم در خانواده‌های خوش جمعیت بسیار راحت‌تر است زیرا فضا برای تمرین این موضوعات بسیار زیادتر از خانواده‌های کم جمعیت یافت می‌شود. در پایان خدا را قسم می‌دهیم به مولود این روز که توفیق تربیت فرزندانی حق‌گرا به ما پدر و مادرها ارزانی نماید.

آمین یا رب العالمین...

علی اکبر

موضوع

جوانان شویالی زمینه ساز ظهور

پیام

نقش پیری یا جوانی جمعیت در آینده کشور

خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
صَدَّقَ رَسُولَهُ مُحَمَّدًا
وَيَقْتُلُ الْكَافِرِينَ
اللَّهُ أَكْبَرُ
سوره طه آیه ۲۸ تا ۳۵
۴۳

● انگیزه‌سازی موضوع

امروز روز میلاد جوان امام حسین (ع) روز جوان نامگذاری شده است، شادی ارواح مطهر همه شهدا مون علی اکبرهای خمینی کبیر و موفقیت و در خط شهدا موندن جوانهای امروزمون یک صلوات امام زمان پسند بفرستید وجود نازنین اباعبدالله الحسین (ع) هنگامی که حضرت علی اکبر (ع) را به میدان می‌فرستاد، به لشگر خطاب کرد و فرمود:

«یا قوم، هولاء قد برز علیهم غلام، أشبه الناس خلقاً وخلقاً و منطقاً برسول الله...»

ای قوم، شما شاهد باشید، پسری را به میدان می‌فرستم، که شبیه‌ترین مردم از نظر خلق و خوی و منطق به رسول الله (ص) است بدانید هر زمان ما دل‌مان برای رسول الله (ص) تنگ می‌شد نگاه به وجه این پسر می‌کردیم! دوستان من، مولود امشب یعنی وجود نازنین حضرت علی اکبر (ع) شبیه‌ترین فرد به پیامبر (ص) از لحاظ خلقاً (چهره)، خلقاً (اخلاقی) و منطقاً (نوع صحبت کردن) معرفی شده و به واقع چه تعبیر زیبا و قابل تأملی است. در قرآن کریم خداوند رسول و فرستاده‌اش حضرت محمد (ص) را به عنوان اسوه و الگو معرفی نموده است و فرموده است؛

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ۖ»

۱. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۷۵

۲. احزاب، ۲۱

بعد از شنیدن این آیه شاید چند سؤال مهم مخصوصاً برای جوانان مطرح شود که مگر می شود به پیامبر خدا ﷺ شباهت پیدا کرد؟ راهی هست که ما هم شبیه پیامبر خدا ﷺ شویم؟ چه کنیم تا شبیه پیامبر ﷺ شویم؟

❖ اقناع اندیشه موضوع

در جواب این چند سوال مهم باید به شما عرض کنم که طبق فرموده رسول مکرّم اسلام ﷺ ما می توانیم شبیه آن بزرگوار باشیم، به شرط اینکه از مسیری که خود حضرت به ما نشان می دهند حرکت کنیم تا به مقصد مورد نظر یعنی شباهت به رسول الله ﷺ برسیم. رسول خدا ﷺ فرموده اند: هر کس چهار ویژگی را داشته باشد، شبیه من می باشد:

«الاخبرکم بأشبهکم بی؟»^۱

آیا شما را به شبیه ترین به خودم آگاه کنم؟

ویژگی اول: «احسنکم خلقاً»؛ خوش اخلاق ترین؛

حضرت می فرمایند: فرقی نمی کند پیر باشید یا جوان، زن باشید یا مرد، عالم باشید یا غیر عالم اگر می خواهید به من پیامبر شبیه باشید بدانید که خوش اخلاق ترین شما به من شبیه تر است.

در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ است که فرمودند: "اسلام دین خوش اخلاقی است." چیزی که متأسفانه در جامعه ما به آن کمتر توجه می شود.

در روایات برای خوش اخلاقی اثرات بسیار عجیبی چون؛ زیاد شدن رزق، تأخیر در اجل و محبوب شدن و بسیار موارد دیگری ذکر شده است.

ویژگی دوم: «اعظمکم حلماً»؛ حلیم و بردبارترین؛

ویژگی دوم، حلم و بردباری و قدرت تحمل است. اینکه هر کسی در مواقع مختلف زود عصبانی نشود. چقدر از اتفاقات و دادگاه های ما بر سر این موضوع است که افراد زود از کوره در رفته اند و با کنترل نکردن عصبانیتشان

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۲

اتفاقات ناگواری را رقم زده اند.

ویژگی سوم: «و ابرک بقرابته»؛ نیکوکارتر به خویشان

رسیدگی به خویشاوندان و فامیل. این رسیدگی و توجه به فامیل مصادیق و شکل های مختلفی می تواند داشته باشد؛

می تواند کمک مالی باشد: امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْهُ بِهِ قَرَابَتَهُ»^۱

کسی که از سوی خدا ثروتی به دست آورد، باید بستگان خویش را به وسیله آن دستگیری کند.

و یا کمک عاطفی باشد.. این تصور که صله رحم کردن تنها برای کسانی است که توانایی کمک مالی به خویشاوندان خود را دارند، تصور نادرستی است، چرا که هدف از رسیدگی و صله ارحام برقرار کردن ارتباط و پیوند عاطفی با خویشاوندان است و این ارتباط از راه های گوناگونی امکان پذیر است. گاهی رفتن به منازل خویشان، سلام و احوالپرسی، تلفن زدن و پیامک دادن محبت ایجاد می کند و سبب دلجویی از خویشان می شود. به فرموده امیر مؤمنان علیه السلام:

«صِلُوا أَرْحَامَكُمْ وَلَوْ بِالتَّلْسِيمِ»^۲

با بستگان خود صله رحم کنید، گرچه با سلام کردن (به آنان) باشد.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: پیوند میان برادران آن گاه که پیش هم هستند، دیدار همدیگر است و در مسافرت نامه نوشتن به یکدیگر.^۳

ویژگی چهارم: «اشدک بنفسه انصافا»؛ با انصاف ترین آدم ها

کسی که در زندگی انصاف را رعایت می کند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شبیه تر است. و اگر بخواهیم بگوییم که چه کسی را می توان انسان منصف و عادل خواند، رسول خدا صلی الله علیه و آله قاعده طلایی را معرفی می کند که با عمل کردن به

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۲

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۵۵

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷۰

آن انصاف و عدالت در شخصیت انسان نشان داده می شود، رسول مکرم اسلام ﷺ می فرمایند:

«مَا كَرِهَتْهُ لِنَفْسِكَ فَاكْرَهُ لِعَيْرِكَ، وَمَا أَحْبَبَتْهُ لِنَفْسِكَ فَاحْبِبْهُ لِأَخِيكَ؛ تَكُنْ عَادِلًا فِي حُكْمِكَ، مُقْسِطًا فِي عَدْلِكَ، مُحَبًّا فِي أَهْلِ السَّمَاءِ، مَوْدودًا فِي صُدُورِ أَهْلِ الْأَرْضِ»^۱

آنچه برای خود نمی پسندی، برای دیگری هم می پسند و آنچه برای خود دوست داری، برای برادرت نیز دوست بدار، تا در قضاوت عادل باشی و در عدالت دادگر و نزد آسمانیان دوست داشتنی و در دل های زمینیان محبوب. امیرالمومنین علی (ع) ذیل آیه ۹۰ سوره نحل: اِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ. منظور از عدل را، انصاف ذکر کرده اند.

• انگیزه سازی پیام

دوستان عزیز، خیلی از جوانان رزمنده ما در دوران دفاع مقدس دقیقاً دارای همین ویژگی ها بودند، علی اکبرهای خمینی (ره) هم انصافاً اهل اخلاق و حلم و نیکوکاری و انصاف بودند که گروه گروه برای دفاع از مرزهای کشورشون و دفاع از ناموسشون و مردمشون در مقابل گلوله ها سینه سپر کردند و در راه آرامش و امنیت و سربلندی کشورشون از جان عزیزشون گذشتند.

خوش اخلاقی فرماندهان هشت سال دفاع مقدس ما زبان زد عام و خاص بود، اجازه بدید در این زمینه یک داستان از شهید بروجردی بزرگوار براتون تعریف کنم.

در دفتر فرماندهی سر و صدا به حدی رسید که شهید بروجردی که فرمانده سپاه منطقه هفت بود از اتاقش بیرون آمد و جویای قضیه شد. مسئول دفتر گفت: «این سرباز تازه از مرخصی برگشته ولی دوباره تقاضای مرخصی داره». شهید بروجردی گفت: «خب! پسر جان تو تازه از مرخصی آمدی نمیشه دوباره بری».

۱. نهج البلاغة: الحکمة ۲۳۱

یک دفعه سرباز جلو آمد و سیلی محکمی نثار شهید بروجردی کرد. در کمال تعجب دیدم شهید بروجردی خندید و آن طرف صورتش را برد جلو و گفت: «دست سنگینی داری پسر! یکی هم این طرف بزن تا میزان بشه». بعد هم او را برد داخل اتاق. صورتش را بوسید و گفت: «ببخشید، نمی دانستم این قدر ضروری است. می گم سه روز برات مرخصی بنویسند».

سرباز خشکش زده بود و وقتی مسئول دفتر خواست مرخصیش را با کارگزینی هماهنگ کند گوشی را از دستش گرفت و گفت: «برای کی می خوای مرخصی بنویسی؟ برای من؟ نمی خواد. من لیاقتش را ندارم». بعد هم با گریه بیرون رفت. بعدها شنیدم آن سرباز راننده و محافظ شهید بروجردی شده؛ یازده ماه بعد هم به شهادت رسید، آخرش هم به مرخصی نرفت.^۱

در مورد صفت حلم و بردباری هم اجازه بدید یک ماجرای از شهید بابایی عزیز براتون تعریف کنم؛

یکی از همزمان شهید بابایی به نام امیر سرتیپ خلبان حسین خلیلی در مورد شهید بابایی می گفت: روزی به همراه شهید بابایی برای پرواز آماده شدیم. در آن زمان ایشان استاد پروازی بنده بودند. وقتی برای پرواز آماده شدیم و خواستیم پرواز کنیم، هواپیما دچار اشکال شد و به ناچار از آن بیرون آمدیم. وقتی که کارکنان فنی هواپیما شروع به بررسی و رفع اشکال نمودند، شهید بابایی در کنار هواپیما روی زمین نشستند و آرام به کار آنان نگاه کردند. این آرامش و سکوت شهید بابایی بسیار ستودنی بود زیرا اگر شخص دیگری جای ایشان بود در این هنگام شروع به داد و فریاد بر سر کارکنان فنی می کرد که چرا هواپیما خراب است و.. ولی ایشان صبورانه و بدون اینکه سخنی بگویند فقط نظاره می کردند. من هم به تبعیت از ایشان در کنارشان نشستم.^۲

اما انصافاً امروز اینجوری است؟ خدا نکند برخی انسانهای کم جنبه و بی ظرفیت به یک جایگاه و میز و دم و دستگاهی برسند، دیگر خدا را بنده

۱. سایت مشرق نیوز، کد خبر ۴۱۸۴۵۹ تاریخ انتشار: ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴

۲. سایت پرتال امام خمینی (ره)، کد مطلب: ۱۸۳۵۷۶ تاریخ مطلب: ۲۲/۰۹/۱۴۰۰

نیستند، اما حلم و بردباری از بارزترین صفات شهدای ما بود.
در مورد صفت نیکوکاری باید بگویم؛ یکی از هم رزم‌های شهید مجتبی هاشمی در مورد ایشان می‌گفت:

هر وقت که از جبهه می‌آمدم، سری هم به مجتبی هاشمی می‌زدم. یک بار که پیشش رفتم گفتم: «دو سه نیرو برایم بفرست کارشان دارم؟» وقتی از چند و چون کارش پرسیدم، گفت که مقداری مواد غذایی و مصرفی برای خانواده نیازمندان آماده کرده، می‌خواهد برای پخشش برود.
خودم به همراه دو نفر دیگر آمدم پیشش. از قبل گونی‌هایی را آماده کرده بود. آن‌ها را پر از مواد غذایی و گوشت و... می‌کردیم. همه را پشت ماشین وانت گذاشتیم و شبانه به سمت یکی از محلات فقیرنشین شهر تهران حرکت کردیم. هر گونی را پشت یکی از خانه‌ها می‌گذاشت. کناری مخفی می‌شد. صاحب خانه در را باز می‌کرد، دور و اطراف را واری می‌کرد و با نگاهی به داخل گونی با خوشحالی آن را به درون خانه می‌برد.^۱

جناب آقای عباسعلی کدخدایی تعریف میکردند: در سال ۵۹ بود و با حضور در کاخ دادگستری، به همت شهید بهشتی برنامه‌های درسی برای دانشجویان حقوق در نظر گرفته شده بود و یک روز در هفته نوبت خود ایشان بود. درس مبحث قضا و منبع تحریر الوسیله، با شروع درس و مباحثه سوالات نیز مطرح می‌شد، اوضاع سیاسی و اجرای احکام اسلامی و موضوعات اجتماعی. شور جوانی بود و اوائل انقلاب و اتفاقات تلخ و شیرین آن روزها. حوادث کردستان، عزل بنی صدر و عملیات منافقین. ابهت، وقار و احاطه بر مسایل فقهی و آگاهی از موضوعات روز، ویژگی شهید بهشتی بود که در کمتر فردی دیده می‌شد.
چهارشنبه‌ها مصاحبه با خبرگزاری‌های داخلی و خارجی داشت و با اقتدار از مواضع دولت اسلامی دفاع می‌کرد. او بهشتی بود به مثابه یک ملت. قاضی القضاتی بود وارد، عالم و با برنامه.

۱. کتاب آقا مجتبی؛ خاطراتی از شهید سید مجتبی هاشمی، نویسنده: محمد عامری،

ناشر: تقدیر، نوبت چاپ: دوم- تابستان ۱۳۹۶؛ صفحات ۹۴ و ۱۰۶

سوال شده بود چرا همسر بنی صدر را رها کردید؟ و پاسخ شنیدند که او مجرم نیست! از او شنیدند که رئیس دادگستری استانی نزد وی آمده و اظهار کرده برای رعایت بی طرفی منزل هیچ کس نمی روم که از خط عدل و انصاف خارج نشوم و پاسخ شنیده بود که قاضی بی طرف آن است که همه جا برود و بی طرفی را رعایت کند!

این هم نمونه ای بود از انصاف مثال زدنی شهید بهشتی عزیز به همگان او را به صفت انصاف می شناسند. همه این صفات پسندیده که در روایت ارزشمند رسول الله ﷺ به عنوان ویژگی های افرادی که شبیه پیامبر اکرم ﷺ هستند معرفی شده است در شهدای این مرز و بوم به وفور دیده می شود و امروز هم قطعا در بین جوانان این سرزمین خواهد بود.

اجازه بدید یک آماری را در مورد جوانان عزیز کشورمون به شما بزرگواران ارائه کنم: تعداد کل شهدای رزمندگان اسلام در جنگ تحمیلی عراق بر ایران، طی آخرین آمار ۱۵/۱۸۸۰ (صد و هشتاد و هشت هزار و پانزده) نفر اعلام شده است. آمار شهدا، جانبازان، آزادگان و مفقودالائرها در این نوشته، به استناد «کتابک مقاومت» می باشد که به کوشش محمد حسین قاسمی و همکاری اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان قم نوشته شده است. در جنگ تحمیلی ۵۶/۱۷۲۰ نفر در جبهه ها و ۵۹/۱۵۹ نفر در بمباران شهرها به شهادت رسیدند. در بین شهدای دفاع مقدس، از معلم ها و روحانیون و ارتشیان و بسیجیان و همه و همه به چشم می خورد.

جالب اینجاست که میانگین سن شهدا، ۲۲ سال بوده است، که ۴۴٪ از شهدا دارای میانگین سنی بین ۱۶ تا ۲۰ سال بوده اند.^۱

برابر آمار، پرشورترین حضور در جبهه های جنگ از آن دانش آموزان بوده است. طی سال های ۵۹ تا ۶۶، تعداد ۳۶۶۹۷ نفر از این عزیزان در جبهه های جنگ حضور یافته اند که از این میان حدود ۳۶ هزار تن به شهادت رسیده اند.

۱. مجله معارف شهریور و مهرماه ۱۳۹۰، شماره ۸۷ دفاع مقدس در آینه آمار

تقدیم ۲۳۲۸ نفر جانباز، ۱۱۱۰ نفر آزاده و ۲۰۶۳ نفر مفقودالثر به آستان انقلاب اسلامی بخش دیگری از این حضور حماسی دانش‌آموزان در حماسه ۸ سال دفاع مقدس بود. خاطرات حضور نوجوانان ۱۳ ساله در جبهه‌های جنگ، هنوز از ذهن‌ها زدوده نشده است، صحنه‌هایی که دیدنش موجی از نشاط و شوق حضور در جبهه‌های جنگ را در سایرین به وجود می‌آورد و افتخار و تجلیل عمومی را نثار ایشان می‌کرد. خاطرات مربوط به کسانی که با دستکاری در شناسنامه‌های خود و جعل امضای والدین، خود را به خطوط مقدم نیرو می‌رساندند هنوز شهره در جهان است و جهان به این روحیه عظیم جوانان و نوجوانان ایران باید غبطه ابدی بخورد.^۱

نقش جوان‌ها نه تنها در شرایط جنگی و دفاع از کشور سرنوشت ساز است بلکه نقش جمعیت جوان هر کشور در دوران صلح و سازندگی و برای پیشرفت هر کشور هم تعیین کننده و سرنوشت ساز است. در کل این جوان‌ها هستند که کشور را از بحران‌ها نجات می‌دهند.

● اقصاء اندیشه پیام

جمعیت جوان یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع به شمار می‌رود و نقش حیاتی و موثری را در رشد و پیشرفت یک کشور ایفا می‌کند. جمعیت یک کشور، گروه‌های سنی مختلف از کودکان تا کهن سالان را شامل می‌شود که جوانان به علت ویژگی "فعال و مولد بودن" مهمترین این گروه‌ها محسوب می‌شوند.

جمعیت جوان، امید به موفقیت را در هر جامعه‌ای زنده نگه می‌دارد و به صورت کلی می‌توان گفت هر تمدن و هر جامعه‌ای برای امیدواری و پیمودن مسیر آینده نیاز به جمعیتی جوان دارد.

در کشور عزیزمان ایران از گذشته تا امروز جوانان همیشه و در هر صحنه‌ای که ورود پیدا کردند زمینه ساز کارهای بزرگی شده اند، از هشت سال دفاع

۱. سایت راسخون، تاملی بر نقش جامعه فرهنگی کشور در حماسه ۸ سال دفاع مقدس

مقدس تا سازندگی و حتی صحنه‌های سیاسی و اجتماعی و میادین ورزشی هرگاه به جوانان ایرانی میدان داده شد بسیار با انگیزه ورود پیدا کرده و خودشان را به خوبی اثبات کردند.

جوان فعال همراه با ایدئولوژی مکتبی، انقلابی و جهادی، انرژی و انگیزه‌اش ۲ برابر می‌شود و یکی از فرصت‌های خوبی که در کشور ما وجود دارد اما به نظر می‌رسد چندان مورد توجه قرار نگرفته همانا ظرفیت خوب حوزه جوانان است. کاهش جمعیت جوان باعث می‌شود ایجاد شور و نشاط اجتماعی در جامعه کاهش پیدا کند و حتی به لحاظ سیاسی و اجتماعی مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی به شدت کاهش پیدا کند و از همه مهمتر اینکه حجم بسیار بالایی از اعتبار کشور در حوزه بهداشت و درمان برای جمعیت سالخورده هزینه شود که بسیار برای کشور مشکلات دیگری در حوزه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی ایجاد می‌کند.^۱ مردم نگاه کنید آن شور و حضور به خاطر آن بود که جمعیت جوان وجود داشت اما تا چند سال آینده با پیش‌بینی‌هایی که می‌شود دیگر جمعیت جوان به آن شکل نیست، جمعیت جوانی آنقدری نیست که اقتصاد را بتواند به حرکت در بیاورد، خدای ناکرده اگر جنگی شود رشادت و حماسه‌های دفاع مقدس را دوباره تکرار کند و... اما هنوز دیر نشده است.

● پرورش احساس پیام

مطالعات جمعیتی اثبات می‌کند که طی سالیان آینده روند سالمندی جمعیت ایران با سرعت و شدت بیشتری تداوم خواهد داشت و در آینده نه چندان دوری ایران با پدیده سالمندی قطعی جمعیت روبرو خواهد شد.

همین آمارها حاکی از آن هستند که طی حدود بیست سال آینده، نسبت نرخ رشد جمعیت سالمندان به نرخ رشد جمعیت کل کشور، شانزده به یک خواهد بود.

۱. خبرگزاری جمهری اسلامی، کد خبر ۸۴۵۴۵۴۱، مصاحبه با: اسداله ربانی مهر- کارشناس ارشد مدیریت بین الملل و مدیرکل روابط عمومی استانداری همدان

ما باید به بالا رفتن جمعیت سالمندی در ایران به عنوان یک تهدید برای کشور نگاه کنیم که متأسفانه امروزه این نگاه در قالب افراد کشور نیست. در شرایط کنونی تهدیدات امنیتی که به واسطه سقوط نرخ باروری و ورود ایران به شرایط بحران جمعیت پدیدار خواهد شد، بسیار جدی است و ضروری است تا کارشناسان و مسئولان امنیتی کشور با همراهی و همکاری مشترک با گروهی از کارشناسان جمعیت شناس و جمعیت پژوه همه الگوهای پیش‌بینی تأثیرات متقابل جمعیت و امنیت را مورد مطالعه دقیق قرار دهند. از جمله تهدیدهای امنیتی که با بالا رفتن جمعیت سالمندان برای ایران قابل پیش‌بینی است را می‌شمارم:

✿ کاهش جمعیت و ورود سیل مهاجران به کشور

از جمله پیامدهای ضد امنیتی بروز بحران‌های کاهش نرخ رشد و سقوط نرخ باروری می‌توان به چند نمونه اشاره کرد. با بروز پدیده سالمندی جمعیت و کاهش نیروی کار کشور، نیازمندی به مهاجران خارجی و پذیرش نیروی کار غیربومی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود که ورود گسترده این مهاجران می‌تواند زمینه ساز مخاطرات امنیتی جدی برای کشور باشد، کما اینکه این وضعیت امروزه در بسیاری از کشورهای سالمند و مهاجرپذیر جهان کاملاً قابل رؤیت است.

✿ کاهش توان امنیتی کشور در سایه سالمندی جمعیت

با تداوم روند کنونی سالمندی جمعیت و افزایش میانگین سنی با تأثیرگذاری در توان نظامی و دفاعی کشور، ضریب امنیتی را به شدت کاهش خواهد. این همان اتفاقی است که امروزه در کشورهایی مثل ژاپن و سوئد و... می‌توان مشاهده نمود. همچنین تحولات ساختارهای جمعیتی منجر به تغییراتی خواهد شد که جایجایی نسبت مذهبی و قومیتی جمعیت که از قضا در ایران اسلامی در استان‌ها و شهرهای مرزی در حال وقوع است می‌تواند، به

عنوان یکی از وقایع مهم و امنیتی تحت بررسی قرار گیرد. لذا امنیت بر پایه جمعیت یا به عبارت دیگر امنیت جمعیتی گرایشی است که بایسته است بصورت جدی در دستور کار نهادهای امنیتی کشور قرار گیرد.^۱ اما کاهش سن جوانان در دنیا امروزه به دغدغه‌ای تبدیل شده است و کشورهایی در دنیا هستند که نرخ رشد جمعیت شان منفی است و هر ساله جمعیت کشورشان کمتر و کمتر می‌شود. کشورهایی مانند آلمان، روسیه، مجارستان، مالدیو، چک، کرواسی، کوبا، لهستان و استونیا؛ از سوی دیگر، بیش از نود درصد کشورهای دارای نرخ منفی جمعیت در قاره اروپا قرار دارند و در حال حاضر اکثریت جامعه اروپایی با لغو سیاست‌های کنترل جمعیت، به دنبال مشوق‌هایی برای افزایش جمعیت خود هستند تا هرم سنی رو به پیری گرایش پیدا نکند. به عنوان مثال به برخی از مصادیق مشوق‌های جمعیتی در چند کشور جهان اشاره می‌کنم؛

انگلیس: اختصاص ۵۲ هفته مرخصی زایمان برای زنان که ۳۹ هفته آن همراه با حقوق است. به این صورت که در ۶ هفته اول دوره مرخصی ۹۰ درصد حقوق کامل پرداخت می‌شود و در مابقی مرخصی حداقل دستمزد برای پرداخت در نظر گرفته شده است.

نروژ: دادن مرخصی با حقوق به والدین جهت نگهداری فرزندان توسط بیمه ملی؛
چک: اختصاص مرخصی زایمان تا سه سال تحت شرایط خاص
اسلواکی: اختصاص دو سال مرخصی زایمان / پرداخت ماهیانه ۲۵۶ یورو در دو سال اول تولد بچه

اسپانیا: دولت برای تولد هر بچه، ۲۵۰۰ یورو به زوجها پرداخت می‌کند.
کره جنوبی: دولت کره جنوبی برای تشویق خانواده‌ها ۳ هزار دلار برای تولد هر بچه به زوجها می‌دهد.

آلمان: از دیگر اقدامات دولت آلمان، کمک مالی به پدران و مادران شاغلی است که به دلیل تولد فرزند خود و یا مرخصی بواسطه نگهداری از

۱. خبرگزاری مهر، کد خبر ۵۲۱۵۷۲۳

فرزند، دستمزدی دریافت نکردند؛ بنابراین حمایت مالی، مردان و یا زنانی که دستمزدی دریافت نکرده اند، دو سوم دستمزد خود را با افزایش ۲,۳۷۵ دلاری در هر ماه از دولت دریافت می‌کنند و کسانی که حقوق پایین‌تری دریافت می‌کنند ۱۰۰ درصد حقوق خود را از دولت دریافت می‌کنند. اگر یکی از والدین در مرخصی باشد تا ۱۲ ماه می‌تواند به صورت فوق در مرخصی باقی بماند با ضمانت این مسئله که بعد از ۱۲ ماه به همان شغل قبلی خود باز می‌گردد و اگر هر دو والدین در مرخصی باشند تا ۱۴ ماه می‌توانند اینگونه در کنار خانواده خود حضور داشته باشند.

"آنگلا مرکل" صدراعظم آلمان چند سال قبل که میانگین تعداد بچه‌های خانواده‌های این کشور ۳/۱ بچه تخمین زده شد پیشنهاد حقوق هزار و ۸۰۰ یورویی را برای مادرهایی که مراقب بچه‌های خود در خانه هستند مطرح کرده است.

فرانسه: فرانسه نیز به مانند دیگر کشورهای اروپایی حمایت مالی خود از والدینی که بچه دار می‌شوند را به وزارت خانه‌های مربوطه ابلاغ کرد تا بر اساس قوانین جدید خانواده‌های فرانسوی نسبت به بچه دار شدن خود در فرانسه هیچ ترسی درباره از دست دادن شغل خود به دلیل مرخصی طولانی و یا مخارج فرزندان نداشته باشند. بنابر قوانین جدید، خانواده‌های فرانسوی تا سه سال می‌توانند با ضمانت اینکه به شغل خود بر می‌گردند، در کنار فرزند خود حضور داشته باشند؛ دولت به صورت سالانه از سه سالگی تا سنین تعیین شده نسبت به کمک هزینه‌های مالی فرزندان برای پیش دبستانی و همچنین دوران مدرسه و دانشگاه به خانواده‌ها تضمین قانونی می‌دهد.

سبد کالا و همچنین کاهش اخذ مالیات و استفاده از امکانات دولتی برای فرزندان و خانواده‌ها در نظر گرفته می‌شود و دولت در صورت استخدام خدمتکار برای خانواده‌هایی که بچه دار شده اند، هزینه خدمتکار را تا حدی تقبل می‌کند. دریافت سالانه ۱۰۰۰ یورو کمک مالی در صورت داشتن بچه سوم ژاپن: بر اساس قانون کودومو تیت که در سال ۲۰۱۰ به وسیله حزب

دمکراتیک این کشور اجرایی شد خانواده‌هایی که فرزند تا سن ۱۵ سال دارند ماهانه تا ۱۳ هزارین کمک مالی دریافت می‌کنند؛ از سوی دیگر پدر و مادر یک به یک می‌توانند در صورت اخذ مرخصی با نصف حقوق خود تا سقف تعیین شده در مرخصی حضور داشته باشند و بدون هیچ تغییری به کار قبلی خود بازگردند.

روسیه: کشور روسیه بعد از روی کار آمدن پوتین مشوق‌های لازم برای افزایش جمعیت را بیش از پیش مورد حمایت دولتی قرار داده است؛ روسیه حمایت مالی از خانواده‌هایی که برای اولین با دومین و حتی سومین بار دارای فرزند می‌شوند را به دولت و نهادهای مسئول ابلاغ کرده است؛ بنابراین ابلاغ دولت روسیه، خانواده‌هایی که دارای فرزند می‌شوند نسبت به پرداخت مالیات تا سقف تعیین شده معاف می‌گردند و حمایت‌های مالی برای تربیت و رشد فرزندان نیز تا حدودی توسط سبدهای کالای حمایتی و همچنین به صورت نقدی به خانواده‌ها پرداخت می‌شود.^۱

● رفتارسازی پیام

ای کاش مسوولین کشور ما هم قوانین جدیدی که در حمایت از فرزندآوری اخیرا مجلس تصویب کرده است را با قوت اجرا کنند و مردم هم همت کنند تا دچار پشیمانی‌های زود هنگام نشویم.

رسول مکرم اسلام ﷺ در روایتی می‌فرماید:

حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ^۲

دوست داشتن وطن از ایمان است

هر کس وطنش را دوست دارد باید برای جلوگیری از پیری جمعیت در آینده نزدیک کاری بکند، قوانینی که در بالا ذکر شد آوردن و اشاره نمودن به آن خوب است اما تمام ماجرا نیست. چرا که اگر قوانین فوق راهگشا بود امروز

۱. خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۱۱۳۷۱۴۳

۲. سفينة البحار، ج ۸، ص: ۵۲۶

باید شاهد افزایش نه جدی بلکه اندکی در نرخ رشد آن جوامع می بودیم. این در حالی است که بسیاری از این جوامع اعلام کرده اند اجرای این سیاست ها همراه با شکست بوده است.

۲. مهم ترین اصل انقلاب اسلامی که امامین انقلاب بارها به آن اشاره جدی و تاکید داشتند دو اصل اسلام و مردم می باشد. لذا حضرت آقا در تمامی اتفاقات به خصوص در زمینه فرهنگ مردم را رکن اساسی می دانند و در دهه اخیر نیز به صراحت در جمع دولت سابق اعلام کردند که در زمینه فرهنگ دیگر امیدی به دولت نیست

۳. پس برای پایداری تصمیمات باید نگاه به مردم باشد (هر چند باید اهرم مطالبه مردمی از مسئولین نیز باید وجود داشته باشد) این نگاه حاصل نمی شود جز فرهنگ سازی توسط خود مردم.

شاید یکی از شما بلند شود و بگوید چه کاری از ما بر می آید: چند کار که میشود کرد را مثال می زنم

۱. همه مساجد در مناسبت های مختلف بسته های ارزاق بین نیازمندان پخش می کنند برای هدفمندی این اقدام می توان اولویت خانواده و جمعیت را به آن اضافه کرد به عنوان مثال مادران باردار و شیرده در اولویت اول قرار بگیرند.

۲. یکی از امرهای پسندیده در میان بانوان در هشت سال دفاع مقدس پشتیبانی جبهه در امورات مختلف بود. این امر بعد از جنگ کم رنگ شده است لذا می توان در بحث ازدواج و سقط جنین بایک آموزش اولیه برای این قشر پر توان دوباره نقش آفرینی نمود.

۳. از همه ساده تر، خیلی از ما در ماه حتما قسمتی از حقوق خود را برای نیازمندان اختصاص می دهیم. برای اینکار حتی اگر قرار است به نزدیکان خود کمک کنیم اولویت با خانواده های خوش جمعیت و مادران باردار و شیرده باشد.

جواب دیگری که به این عزیز می گویم: رسول مکرم اسلام در جواب شما عزیز بزرگوار می فرمایند:

«لَكُمْ رَاجٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^۱

هر کدام از شما مسئول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می دهند بازخواست خواهید شد. از این روایت ارزشمند استفاده می شود که هر کدام از اهل ایمان در رابطه با آن چه می داند، اگر چه یک کلمه باشد، باید مُعلم دیگران باشد، یعنی به اهلش برساند و نسبت به کلمه ای که نمی داند مُتَعَلِم باشد.

یعنی اولین کاری و مهمترین کاری که باید تک تک ما انجام بدهیم این است که دانسته های خودمان را به دیگران انتقال دهیم، شاید خیلی از شما امشب چیزهایی را شنیده باشید که قبلاً نمی دانستید، حالا باید همین دانسته خود را به دیگران انتقال بدهید، باید به دیگران بگوئیم که دنیا مخصوصاً کشورهای غربی دارد با کاهش جمعیت کشور خودشان می جنگند اما زمانی که می خواهند برای ما نسخه پیچند می گویند سگ نگهداری بهتر از فرزند آوری است، به همه بگوئیم که سلبیتی های غربی مانند کریستین رونالدو و... هر کدام مُبلغ فرهنگ فرزند آوری هستند اما سلبیتی های غرب پرست ما مبلغ فرهنگ سگ نگهداری و... هستند، تک تک ما باید اهل تبلیغ باشیم به دین و ایمان هم ربطی ندارد، هر کس کشورش را دوست دارد باید در این زمینه تلاش و کوشش کند.

پدرها و مادرها باید تمام تلاش خودشان را داشت باشند تا جوانان آنها ازدواج کنند، پدر داماد باید در زمینه خرج های داماد آن را کمک کند، پدر عروس باید از سختگیری های در ازدواج جلوگیری کند، علاوه بر این پدر و مادرها باید به فرزندان خود این آموزش را بدهند که فرزند آوری یعنی ورود برکت در زندگی و از تجربه های خودشان بگویند

تمام این تلاش های پدر و مادرها منجر به این می شود که جوانان کشور ما تبدیل به جوانانی شوند که زمینه ساز ظهور هستند.

بله؛ جوانان زمینه ساز ظهور هستند، پس طبیعتاً کشوری می تواند زمینه ساز ظهور شود که جوانانش بیشتر است.

۱. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۸؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۴؛ جامع الاخبار، ص ۱۱۹؛ مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶؛ منية المرید، ص ۳۸۱.

○ پرورش احساس موضوع

دوستان عزیز: امام زمان عجل الله تعالی فرجه با سپاهی از جوانان خواهد آمد.

در این زمینه وجود نازنین امام صادق علیه السلام فرمود:

بَيْنَا سَبَابُ الشَّيْعَةِ عَلَى ظُهُورِ سَطُوحِهِمْ نِيَامٌ إِذْ تَوَافَوْا إِلَى صَاحِبِهِمْ
فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ^۱

هنگامی که جوانان، شبانگاه بر پشت بام‌ها در خواب اند، به ناگاه، بدون وعده قبلی، در یک شب، گرد صاحب خود جمع می‌شوند و صبح هنگام در مکه خواهند بود.

در این حدیث شریف علاوه بر پیشگام بودن جوانان در لیبیک گفتن به آن حضرت، داشتن حالت انتظار و گوش به زنگ بودن آنان قبل از ظهور، در این امر مهم استفاده می‌شود. از برخی روایات استفاده می‌شود که یکی از اوصاف و ویژگی‌های بارز و مهم این ۳۱۳ نفر، علاوه بر ایمان راسخ و شجاعت و قدرتمندی، جوان بودن آنان است.

چنان که امام علی علیه السلام در حدیثی می‌فرماید:

أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ عجل الله تعالی فرجه شَبَابٌ لَا كُهُولٌ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلُ كَحْلِ الْعَيْنِ
وَالْمِلْحُ فِي الزَّادِ وَأَقْلَ الزَّادِ، الْمِلْحُ...^۲

یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه جوانانی هستند که در میان آنها پیرمرد به چشم نمی‌خورد؛ مگر خیلی اندک، مانند سرمه در چشم و نمک در غذا؛ که کمترین چیزی که در غذا ریخته می‌شود، نمک است.

بعد از شنیدن این روایات باید با صدای بلند بگم: آهای جوان‌ها برای یاری امام زمانتان آماده‌اید؟

با صدای بلند باید بگویم: آهای پدر و مادرها جوانان خود را به گونه تربیت کنید که از اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشند، و چقدر ارزشمند هست

۱. الغيبة للنعمانی: ص ۳۱۶ ح ۱۱

۲. الغيبة، طوسی، ص ۴۷۶؛ الغيبة، نعمانی، ص ۳۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳؛

منتخب الاثر، صافی، ص ۴۸۴

که پدر و مادری فرزندان مهدوی تربیت کرده باشند و چه توفیقی از این بالاتر؟ باید این نکته را هم اضافه کنم که اگر پدر و مادرها از توفیق فرزند آوری خود را محروم کنند، قطعاً از توفیق سربازسازی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه نیز محروم خواهند بود.

● رفتارسازی موضوع

افزایش جمعیت جوانان ایرانی که عاشق اهل بیت علیهم السلام هستند، یعنی افزایش جمعیت سپاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه و چقدر خوب است که ما با تبیین اهمیت موضوع جمعیت برای آینده کشور ضمن توفیق شرکت در جهاد تبیین که مقام معظم رهبری فرمودند واجب قطعی و فوری است، توفیق افزودن بر یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه را نیز پیدا کنیم و رسیدن به این موضوع مهم راهش این است که:

۱. اطلاعاتمان را در این باره افزایش بدهیم

۱. افزایش اطلاعات یعنی مطالعه خود در این زمینه را بالا ببریم، دشمن شناسی خود را در این زمینه افزایش دهیم و این موضوع مهم را دست کم نگیریم و از کنارش به سادگی عبور نکنیم.

۲. گاهی اوقات سربازان یک جبهه بدون علم و آگاهی از دشمن به جنگ با آن می پردازند، قطعاً نوع کیفیت این مقابله با دشمن، با سربازانی که آگاهانه به مقابله با دشمن می پردازند تفاوت دارد، پس دوستان من باید تمام سعی و تلاش خود را انجام دهیم که در این زمینه مثل سربازان بدون علم و آگاهی نباشیم.

۳. بیان خود را با یادگیری فن بیان تقویت کنیم

۱. دومین کاری که باید در این زمینه انجام دهیم این است که در جهاد تبیین مسلح به سلاح فن بیان باشیم، گاهی اوقات یک فردی علم و آگاهی خوبی دارد اما دارای فن بیان ضعیفی می باشد که این فن بیان ضعیف منجر به ضعف تبیین او هم می شود، پس فعالین در

این عرصه باید در توجیه دیگران مجهز به فن بیان دارند و به نظر بنده خیلی جا دارد که این افراد با شرکت در دوره‌های فن بیان در این زمینه خود را تقویت کنند.

۲. امر به معروف را با امر به فرزند آوری بیشتر در اطرافیانمان تمرین کنیم:

۱. سومین کاری که توصیه می‌شود و بسیار هم مهم است این است که در زمینه امر به معروف با مصداق فرزند آوری فعالیت بسزایی داشته باشیم.

۲. برخی افراد امر به معروف را فقط در چند موضوع خاص امر به معروف می‌دانند، اما باید بگوییم در این برهه از زمان یکی از مهمترین امر به معروف‌ها امر به فرزند آوری می‌باشد، خودمون انجام بدیم و دیگران را هم به آن توصیه کنیم.

خدا رو قسم می‌دهم به حق مولود امشب، تمام جوانان این خاک را از شر وسوسه‌های شیاطین انسی و جنی نجات دهد و توفیق سربازی پای رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای تمام جوانان حاصل نماید.
آمین یا رب العالمین...

موضوع

برای ظهور چه کرده ایم؟

پیام

نقش جمعیت دوستان امام زمان در زمینه سازی ظهور

خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
بِإِزْنِهِ يُنْفَخُ الْقَوْلُ
إِلَى اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَلِيِّ
وَأَحْمِلُ عَقْدَةَ بَيْنِ
أَيُّهَا الْبَصِيرُ بِالْعِبَادِ

۱- سوره طه آیه ۲۸ تا ۲۵
۲- سوره غافر آیه ۴۳

• انگیزه‌سازی موضوع

ایام، ایام ولادت منجی عالم بشریت، حضرت حجت ابن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف است، به ما یاد داده اند هر وقت گرفتار شدیم دست به دعا برداریم و این گونه قبل از حاجتمون خدا را صدا بزنیم.

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ»

معنای این آیه این است: یا کسی که [دعای] مضطر را هنگامی که او را

بخواند اجابت می‌کند و ناراحتی [او] را برطرف می‌سازد.

به ما گفته اند قبل از خواسته خود ۵ مرتبه این آیه قرآن را بخوانید بعد خواستون را از خداوند متعال درخواست کنید.

اما دوستان من کمتر کسی از بین ما هست که توجه به ادامه این آیه شریفه داشته باشد، شاید همین الان من از شما بپرسم که ادامه این آیه چیست؟ کمتر کسی از بین شما بتواند جواب من را بدهد، حالا بماند که کسی بتواند بگوید که این آیه مربوط به چه کسی می‌باشد.

اجازه بدید اول ادامه این آیه شریفه را برای شما بخوانم، خداوند متعال در ادامه این آیه می‌فرماید:

«وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ»^۱

و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می‌شوید.

۱. سوره نمل، آیه ۶۲

از وجود نازنین امام صادق علیه السلام ذیل این آیه آمده است:

الصادق علیه السلام عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ علیه السلام هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكْعَتَيْنِ وَدَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ.^۱

این آیه درباره قائم آل محمد علیه السلام نازل گردیده است. به خدا سوگند! مضطر اوست، آنگاه که در مقام، دو رکعت نماز به جا آورد و به درگاه خدا دعا کند و خداوند دعای وی را مستجاب نموده، بدی را از او دور نماید و او را خلیفه روی زمین قرار می دهد.

دوستان عزیز من، مضطر حقیقی مولای ما امام زمان علیه السلام است، اما هر کدام از ما باید از خودمان بپرسیم: برای ظهور آن مضطر حقیقی چه کرده ایم؟

❁ اقناع اندیشه موضوع

یکی از بزرگترین سوال هایی که ذهن عاشقان امام زمان علیه السلام را درگیر خود کرده کرده است این است که ما چگونه می توانیم در زمان غیبت امام زمان علیه السلام آن حضرت را یاری کنیم؟

در جواب این سوال بسیار مهم باید به شما بگویم: کسانی که در زمان غیبت، اهل یاری آن حضرت باشند و برای گسترش ولایت اهل بیت علیهم السلام که مصداق حقیقی خیرات است بر همدیگر سبقت می گیرند قطعاً در زمان ظهور آن حضرت از یاران او خواهند بود.

در این زمینه امام باقر علیه السلام می فرماید:

«عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الطَّوِيلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِهِ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ قَالَ أَنْزَلَتْ فِي الْقَائِمِ علیه السلام وَجَبْرَيْلُ عَلَى الْمِيزَابِ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أَبْيَضَ فَيَكُونُ أَوَّلَ خَلْقٍ يَبَايِعُهُ وَيَبَايِعُهُ النَّاسُ الثَّلَاثُمِائَةِ وَثَلَاثَةُ عَشَرَ فَمَنْ كَانَ ابْتُلِيَ بِالْمَسِيرِ وَآقَى تِلْكَ السَّاعَةَ وَمَنْ لَمْ يُبْتَلْ بِالْمَسِيرِ فَقَدْ عَنَ فَرَاشَهُ وَهُوَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام الْمَفْقُودُ عَنْ

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۸

فُرْسِهِمْ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَتَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ
بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا قَالَ الْخَيْرَاتُ الْوَلَايَةُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.»

عبد الحمید طویل از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت در بیان این فرمایش خدای تعالی که می‌فرماید: اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ، فرمود: «این آیه درباره قائم علیه السلام نازل شده است و جبرئیل علیه السلام به صورت پرنده سفیدی بر ناودان کعبه نشسته؛ نخستین کسی که با او بیعت می‌کند جبرئیل علیه السلام است. آنگاه سیصد و سیزده نفر با وی بیعت می‌کنند. هرکس به راه افتاد، به زودی به او می‌رسد و هرکس به راه نیفتاد، در رختخوابش ناپدید می‌شود، یعنی از همان جا که خوابیده، ناگهان حرکت می‌کند. این است معنی گفته حضرت علی علیه السلام که فرمود:

«آنان در رختخوابشان ناپدید می‌شوند». چنانکه خداوند می‌فرماید: در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوید! هرجا باشید، خداوند همه شمارا [برای پاداش و کفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز] حاضر می‌کند. آن حضرت علیه السلام فرمود: «خیرات همان ولایت ما خاندان است.»^۱

دوستان من، بهترین راه زمینه‌سازی برای ظهور، افزایش کمی و ارتقای کیفی جمعیت محبین اهل بیت علیهم السلام و اهل ولایت ائمه علیهم السلام است و محبین امام زمان علیه السلام باید در این زمینه هر کاری که از دستشان بر می‌آید انجام دهند و کوتاهی در این زمینه گناهی نابخشودنی است، دوستان من این دین و مذهبی که امروز به دست ما رسیده است حاصل تلاش و تحمل سختی‌های زیادی بوده و امروز اگر ما کم کاری کنیم قطعا آیندگان ما ضرر خواهند کرد، در تاریخ افرادی جهاد کردند تا دین به ما برسد و این مذهب و آیین از صفحه تاریخ حذف نشود و امروز هم نوبت جهاد ماست، و نباید به هیچ نحوی در این زمینه کم کاری کنیم.

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۸

۲. تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۱۱، ص ۸۸ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹

• انگیزه‌سازی پیام

سید علی خان شیرازی در کتاب «کلم طیب» نمازی را معرفی کرده است جهت استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه و بعد از آن دعایی را ذکر می‌کند و می‌فرماید: این دعا، دعای استغاثه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه است، هرکجا که باشی دو رکعت نماز بخوان و سپس زیر آسمان رو به قبله بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَبَرَكَاتُهُ
الْقَائِمَةُ النَّامَةُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى
خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ
الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ،
وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا
وَعَدَكَ، فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ وَ (تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ
نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)

گواهی می‌دهم که همانا تو امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در گفتار و رفتاری و تویی
آن‌که زمین را با عدل و داد پر کنی، پس از آنکه از ستم و جور پر شد،
پس خدا در گشایش کارت شتاب ورزد و آمدنت را آسان نماید؛ و زمانت
را نزدیک فرماید و بر یاران و یاورانت بیفزاید و به آنچه به تو وعده داده
وفا کند که خدا راست‌گوترین گویندگان است که در قرآن فرموده: «ما
می‌خواستیم به آنان که در [آن] سرزمین به زیونی و درماندگی سوقشان
دادند نعمت [باززش نجات از فرعونیان را] عطا کنیم و آنان را پیشوایان و
وارثان [اموال و سرزمین‌های ستمگران] گردانیم.

یکی از مهمترین فرازهای این دعا و درخواست‌های ما از خداوند متعال در
مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه خود این فراز است: «وَكثَّرْ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ»
یعنی خدا یاران شما را زیاد کند، پس معلوم است زیاد شدن جمعیت
شیعیان امام زمان عجل الله تعالی فرجه مهم است.

• اقناع اندیشه پیام

رسول مکرم اسلام ﷺ می فرمایند:

تَنَاصَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْتُمُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأَمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ
بِالسَّقَطِ^۱

نکاح کنید تا بسیار شوید بد رستی که من فخر میکنم بشما امّت‌ها در روز
قیامت و اگر چه سقط شده باشد.

و باید به این نکته اشاره کنم که منظور سقط فرزند در این روایت سقط‌هایی
است که از روی بیماری و یا اتفاق باشد نه سقط‌های عمدی.

در مورد این روایت مقام معظم رهبری رحمته الله علیه می فرمایند:

رسول خدا ﷺ از مسلمان‌ها خواسته که زیاد بشوند، افزایش پیدا کنند.

واقعاً هم این جور است که اگر چنانچه عدد ملت مسلمان - حالا در یک

کشور اسلامی مثل کشور ایران یا در فضای اسلامی مثل امت اسلامی -

زیاد باشد، این زمینه و امکان برای رشد و تعالی در آنها وجود دارد؛ یعنی

وقتی که عدّه زیاد است، افراد صالح در آن قهراً زیادترند، توانایی‌ها قهراً

بیشتر است، نیروی انسانی قهراً راقی‌تر است؛ این چون طبیعی است اگر

چنانچه جمعیت زیاد باشد. جمعیت کم، مقهور واقع می‌شود. امروز در

دنیا آن کشورهایی که جمعیت‌های زیادی دارند، به برکت آن به خیلی

امکانات دست یافته‌اند؛ چین یک نمونه است، هند یک نمونه است؛

با اینکه مشکلاتی هم دارند اما در عین حال خود این جمعیت زیاد به

عنوان یک ارزش اجتماعی، ارزش سیاسی، یک ارزش بین‌المللی برای

آنها توانسته موقعیت‌هایی را به وجود بیاورد. بنا بر این نسل باید افزایش

پیدا کند؛ اینکه من تکرار می‌کنم، تأکید می‌کنم، به خاطر این است.^۲

عزیزان من اگر اهل بیت علیهم السلام ما در تاریخ یاران کمی و کیفی خوبی داشتند
قطعا در صفحات تاریخ اینگونه مظلوم واقع نمی‌شدند.

۱. جامع الأخبار، جلد ۱، صفحه ۱۰۱

۲. بیانات در دیدار جمعی از زوج‌های جوان ۱۳۹۸/۱/۶

سدیر صیرفی می‌گوید خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و گفتم:
به خدا سوگند، روا نیست که شما نشسته‌اید و قیام نمی‌کنید.

امام فرمود: چرا؟

گفتم: چون دوستان و پیروان و یاوران شما فراوانند. به خدا سوگند اگر
امیر المؤمنین علیه السلام به اندازه شما یاور داشت، قبیله‌های مخالف او جرات
نمی‌کردند به طرفش بیایند.

امام صادق علیه السلام فرمود: تعداد یاوران و شیعیان من احتمالا چقدر است؟
عرض کردم: صد هزار نفر.

حضرت فرمود: صد هزار نفر؟!

عرض کردم: بله، بلکه دویست هزار نفر.

حضرت فرمود: دویست هزار نفر؟!

عرض کردم: بله، بلکه نصف دنیا از یاوران شما هستند.

حضرت سکوتی کرد، بعد فرمود: همراه ما بیا.

امام مرا به منطقه‌ای برد که خاک سرخ رنگی داشت و چوپان نوجوانی،
بزغاله‌هایش را برای چرا آورده بود.

امام نگاهی به او کرد و به من فرمود: «ای سُدیر، به خدا سوگند اگر به تعداد
این بزغاله‌ها شیعه و یاور داشتم، روا نبود یک لحظه در مقابل حکومت ظلم
و جور بنشینم و برای گرفتن حقم قیام نکنم.

از مرکب‌ها پیاده شدیم و نماز خواندیم. بعد از نماز رفتم بزغاله‌ها را شمردم.
فقط هفده تا بودند!'

واقعیت تاریخ هم همین است، شیعیان اهل بیت علیهم السلام هم از لحاظ کمی و هم
از لحاظ کیفی در اقلیت بودند و این اقلیت اصحاب منجر به مظلومیت تاریخی
اهل بیت علیهم السلام شده است و امروز هم اگر شیعیان توجهی به کاهش جمعیت و
خطرات ناشی از آن نداشته باشند از غربت امام زمان عجل الله تعالی فرجه کم نخواهد شد.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب
الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵. ج ۲، س ۱۵۲.

● پرورش احساس پیام

دشمن برای کاهش نسل شیعه دست به هر کاری می‌زند و از تاکتیک‌های مختلفی استفاده می‌کند تا نسل شیعیان کاهش پیدا کند، برخورد حکام سعودی و بحرین و... رو در برخورد و کشتار شیعیان از سالهای دور داریم می‌بینیم، در همین سالهای اخیر هم، همهٔ عالم دیدند که برای نسل کشی شیعیان عراق و سوریه دشمن دست به چه جنایت‌هایی زد و با تاسیس داعش چه نسل کشی‌ای از شیعیان مظلوم که نشد.

در این زمینه سربازان واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه از همه جای دنیا به مدیریت حاج قاسم سلیمانی با به عرصهٔ دفاع از مسلمانان عراق و سوریه خصوصاً نسل کشی شیعیان مظلوم گذاشتند و برای دفاع از این مظلومان عالم از جان خود گذشتند تا نسل شیعه در اقلیت قرار نگیرد.

همون طوری که عرض کردم برای نسل کشی شیعه دشمن دست به هر کاری می‌زند، گاهی مثل عراق و سوریه به صورت مستقیم دست به این اقدام می‌زنند و گاهی اوقات مثل ایران به صورت غیر مستقیم (ترویج سقط جنین که همان قتل جنین است به هر دلیلی و تبلیغ فرزند کمتر زندگی بهتر به هر طریقی) دست به نسل کشی شیعیان می‌زنند، هر دو کشتار شیعیان است با دو روش مختلف. اما در زمینه نسل کشی با روش غیر مستقیم هم نیاز به سربازانی است که مجاهدانه با تمام ظرفیت خود پا به عرصهٔ دفاع بگذارند و با روشنگری‌های خود نقشهٔ دشمن برای در اقلیت قرار گرفتن محبین امام زمان عجل الله تعالی فرجه بر ملا سازند.

● رفتار سازی پیام

رشد جمعیت در یک کشور نقش بسیار موثری در رشد نوآوری و فناوری یک کشور دارد. در مورد نقش سرمایه انسانی در نوآوری همان بس که کشوری که دارای کارگران با سطح مهارت پایین است مشکلات بیشتری در پیاده‌سازی فناوری‌های مؤثر برای انجام نوآوری به دلیل عدم جذب ظرفیت‌های موجود دارد^۱

۱. آسموگلا و زیلیبوتی - Acemoglu and zilibotti - http://www.jmsp.ir/article_6261.html

در بسیاری از مدل‌های ایده محور سطح سرمایه انسانی با سطح تحصیلات، مهارت‌ها و توانمندی‌ها سنجیده می‌شود و سرمایه انسانی یک عامل تعیین کننده در رشد اقتصادی است. سرمایه گذاری در سرمایه انسانی اثرات جانبی مثبتی دارد که موجب افزایش بهره‌وری در سیستم اقتصادی می‌شود و تغییرات تکنولوژی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

امروز در دنیا حتی اندشمندان بزرگ غربی هم به این نتیجه رسیده‌اند که رشد جمعیت کشور ارتباط مستقیم با رشد جمعیت نخبگانی آن کشور دارد. حالا امروز ما برای گسترش فرهنگ مهدوی در دنیا نیازمند این هستیم که جمعیت محبین امام زمان عجل الله تعالی فرجه له رو به افزایش باشد تا این فرهنگ الهی در دنیا فراگیر شود.

در این زمینه چند راهکار بسیار مهم و کاربردی توصیه می‌شود:

۱. تشویق محبین امام زمان عجل الله تعالی فرجه له به فرزندآوری
 ۲. تجلیل از خانواده‌های خوش جمعیت و جوانانی که به تازگی ازدواج نموده‌اند در مساجد و حسینیه‌ها و...
 ۳. راه‌اندازی گروه‌ها و کمپین‌هایی جهت کمک مالی به خانواده‌هایی از ترس هزینه‌های بچه می‌خواهند او را سقط کنند.
 ۴. راه‌اندازی گروه‌ها و کمپین‌هایی جهت جمع‌آوری کمک‌های مالی برای خانواده‌هایی که هزینه درمان ناباروری خود را ندارند و هر اقدامی که خود شما می‌توانید برای این موضوع حیاتی و سرنوشت‌ساز لحاظ کنید به عنوان مثال هر کدام شما قطعا در کاری مشغول هستید اگر به عنوان مثال کارخانه دارید، اولویت استخدام خود را به فرد دارای چند فرزند و جوان متأهل بگذارید. اگر یک کارمند معمولی هستید جایی استخدام و نیاز به نیرو داشت شما می‌توانید اولویت را با معرفی جوانان متأهل و خانواده خوش جمعیت بگذارید.
 ۵. کار تربیتی بر نوجوانان و جوانان:
- باید در خانواده‌ها و فضاها تربیتی نوجوانان و جوانان را به گونه‌ای تربیت

کرد که خود را سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه بدانند و تمام هدف و تلاش خود را در زندگی برای رسیدن به این سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه برنامه ریزی نمایند. دوستان من، باید هیات‌های ما، مساجد ما، به مقوله کارخانه‌های سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه سازی باشند و نوجوانان را در این مسیر سوق دهند، اگر مسجدی، اگر هیاتی، توجه به این نکته مهم نداشت، می‌توان گفت به رسالت خود عمل نکرده است، رسالت مسجد فقط نماز جماعت خواندن نیست، رسالت هیات فقط سینه زدن و گریه کردن نیست، بلکه همه دست اندکاران مجموعه‌های فرهنگی باید در زمینه سرباز سازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه جهاد و تلاش کنند. اگر در این زمینه کم کاری کردیم قطعاً جزء خسران زده‌ها خواهیم بود.

○ پرورش احساس موضوع

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ
وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ
لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرکس از شما، از آیین خود بازگردد، [به خدا] زبانی نمی‌رساند؛ خداوند گروهی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامت‌گیری هراسی ندارند. این، فضل خداست که آن را به هرکس بخواهد [وشایسته ببیند] می‌دهد؛ و فضل و احسان خداوند، گسترده و [او به همه چیز] داناست.

شخصی از امام صادق علیه السلام روایت کرده، که از او درباره این آیه: فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ پرسیدم. فرمود: یعنی: موالی (یاران و حامیان).

عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ فَسَوَّفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ قَالَ الْمَوْلَى.

دوستان من، ما زمانی می‌توانیم مصداق این آیه شریفه باشیم که جزو موالیان اهل بیت علیهم السلام باشیم و زمانی می‌توانیم از موالیان اهل بیت علیهم السلام باشیم که در زمینه یاری اهل بیت علیهم السلام خصوصا وجود نازنین امام زمان عجل الله تعالی فرجه از هیچ کمکی دریغ نکنیم.

امروز اگر بخواهیم بهترین مصداق این آیه را به عالم معرفی کنیم باید از شهدا نام ببریم، شهدایی که برای یاری امام زمان خودشان از هیچ کمکی دریغ نکردند. شهید جلال افشار در وصیت نامه خودشان می‌نویسند:

«با زبان قاصر می‌گویم که ای امت به پاخواسته قیام خود را حفظ کنید تا قائم دین حق فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام حجت الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه بیاید و برچم توحید را بر فراز قله‌های جهان به اهتزاز درآورد»

شهید «جلال افشار» از طلاب وارسته و شاگرد مخصوص آیت الله بهاء الدینی رحمته الله بود. ایشان فرموده بودند، «امام زمان عجل الله تعالی فرجه از من یک یار خواسته بود و من «جلال افشار» را معرفی کردم؟! بارها از آیت الله بها الدینی رحمته الله شنیده شده بود که می‌فرمودند، از مزار جلال نور خاصی به سوی آسمان صاعد است! ۱

● رفتارسازی موضوع

من و شما نباید فقط این خاطرات و وصیت نامه‌ها ببینیم، اما هیچ درسی از آن‌ها در زندگی خود نگیریم به قول معروف: عکس شهدا را ببینیم ولی عکس شهدا عمل کنیم.

اگر ما بخواهیم از سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشیم باید شهدای بزرگوار خود را الگویی در زندگی خودمان قرار بدهیم و در سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه همیشه نگاهی به این سربازان بی ادعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه داشته باشیم.

در کنار این توجه‌ای که به الگو بودن شهدای عزیزمان داریم باید

۱. کد خبر: ۳۳۶۶۷۱ خبرگزاری دفاع مقدس

یک برنامه روزانه ای هم برای خودمان داشته باشیم تا این سیم اتصال با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قطع نشود و همیشه این ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زندگی ما جایگاهی داشته باشد.

یکی از مهمترین راهکارهای ارتباط مستمر با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت روزانه قرائت دعای عهد بعد از نماز صبح است که می تواند این اتصال ما را به زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت مستمر و پیوسته برقرار کند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

هر کس چهل صبح «دعای عهد» را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند او را از قبر بیرون آورد تا در خدمت آن حضرت باشد.^۱

در این ایام که تعلق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد از خداوند متعال درخواست می کنیم به حق صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را جزء یاران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهند و توفیقی به ما عنایت کنند تا جزء کسانی باشیم که در کثرت یاران مهدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف نقش بسزایی داشته باشیم.

۱. کلیات مفاتیح الجنان، قمی، عباس، اسوه، قم، بی تا، ص ۵۳۹.

مجموعه فیش منبر حاضر تحت عنوان
« نسلی برای آینده » با سبک جدید در
تدوین سخنرانی‌های روشمند به این
انگیزه آماده شده است که از هر فرصت
تبلیغی برای ترغیب مردم و محبان
اهل بیت علیهم‌السلام به فرزندآوری بیشتر و رفع
دغدغه‌ها و موانع فکری آنها استفاده
گردد و با در اختیار قرار دادن فیشه‌ای
منبر دارای محتوا و اسلوب جذاب و
تاثیرگذار بستر انجام این مهم را بیش از
پیش فراهم نمایند.



مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران



پیشترتین‌ترین‌های
پیشترتین‌ترین‌های



پیشترتین‌ترین‌های
پیشترتین‌ترین‌های